



An Analysis of the Relationship between “Reason-Based Management” and the “Divine Promise of Support” in the Verses Concerning the Battle of Badr A Case Study of Surahs Āli ‘Imrān and Al-Anfāl

Dr. Alinaghi Lezgi



Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Theology, Imam Ali officers' University, Tehran, Iran

Dr. Mahdi Esmaili Sadrabadi



Assistant Professor of Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Literature and Humanities, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Kerman, Iran

Amir Mohammad Zanganeh Zaveh



(Corresponding Author), Level Four Seminary Student, Qom Seminary, Qom, Iran
Email: zanganeh.zave@gmail.com

Abstract

One of the fundamental challenges in understanding Qur'anic-based strategic decision-making is how reliance on divine promises is justified in situations where material calculations portray action as irrational or highly risky. This study aims to clarify the relationship between rational strategic management (material apparent calculations) and the divine promise of victory (unseen causes) in the verses concerning the Battle of Badr, with a case study of Surahs Āli ‘Imrān and al-Anfāl. The main question addressed is which of these two factors takes precedence in cases of apparent conflict, and how reliance on divine promise led to victory despite the believers' material weakness. Using a descriptive–analytical method and library-based sources, the findings show that at Badr, the believers entered the battle despite their material inferiority and contrary to outward calculations, relying on the explicit divine promise of support and fulfilling conditions such as faith, patience, piety, and supplication. Divine will favored the establishment of truth and the defeat of falsehood through confrontation with the well-equipped Quraysh army (*dhāt al-shawkah*), contrary to the believers' initial inclination toward engaging the commercial caravan (*ghayr dhāt al-shawkah*). This victory was realized through divine norms such as divine assistance, unseen aid, vindication of truth, and the acceptance of supplication. The study argues that the Badr paradigm does not represent a conflict between reason and faith, but rather manifests a higher form of rationality in which rational planning operates within faith-centered reasoning and a hierarchical system of causes.

Keywords: Reason-based management, divine support, Battle of Badr, divine norms, defensive governance.





تحلیل پیوند میان «تدبیر عقلی» و «وعده نصرت الهی» در آیات ناظر به نبرد بدر (با مطالعه موردی سوره های آل عمران و انفال)

دکتر علینقی لزگی



استادیار دانشکده معارف و الهیات، دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران

دکتر مهدی اسمعیلی صدرآبادی



استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده حضرت نرجس (س)، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، کرمان، ایران

امیرمحمد زنگنه زاوه (نویسنده مسئول)



طلبه سطح ۴ حوزه علمیه قم، قم، ایران

Email: zanganeh.zave@gmail.com

چکیده

مسئله چگونگی اتکا به وعده های الهی در شرایطی که محاسبات مادی، اقدام را غیرمنطقی یا پرخطر نشان می دهند، یکی از دغدغه های بنیادین در فهم تصمیم گیری های راهبردی مبتنی بر آموزه های قرآنی است. این پژوهش با هدف تبیین نسبت میان «تدبیر عقلی» (محاسبات مادی) و «وعده نصرت الهی» (اسباب غیبی) در آیات ناظر به نبرد بدر، با مطالعه موردی سوره های آل عمران و انفال، به این پرسش اصلی می پردازد که در شرایط تعارض ظاهری میان این دو، کدام یک اولویت دارد و چگونه اتکا به وعده الهی با وجود ضعف مادی مؤمنان به پیروزی منجر شده است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی با بهره گیری از منابع کتابخانه ای است. یافته ها نشان می دهد که در نبرد بدر، مؤمنان علی رغم ضعف مادی و برخلاف محاسبات ظاهری، با اتکا به وعده صریح نصرت الهی و با تحقق شروطی چون ایمان، صبر، تقوا و استغاثه، وارد نبرد شدند؛ در این واقعه، اراده الهی بر احقاق حق و ابطال باطل از طریق رویارویی با لشکر مجهز قریش (ذات الشوکه) تعلق گرفت، برخلاف تمایل اولیه مؤمنان به درگیری با کاروان تجاری (غیر ذات الشوکه). این پیروزی از طریق سنت های الهی نظیر نصرت، امداد غیبی، احقاق حق و استجابت دعا محقق گردید و ثابت شد که با تحقق شروط لازم، وعده نصرت الهی می تواند بر محاسبات مادی اولویت یافته و مبنای اقدام قرار گیرد. این پژوهش استدلال می کند که الگوی بدر، تقابل عقل و ایمان نیست، بلکه یک نظام محاسباتی متعالی تر را به نمایش می گذارد که در آن، تدبیر عقلی ذیل یک عقلانیت ایمان محور و در چهارچوب نظام طولی اسباب تعریف می شود.

کلیدواژه ها: تدبیر عقلی، نصرت الهی، جنگ بدر، سنت های الهی، حکمرانی دفاعی.

مقدمه

قرآن کریم به مسئله غیب، باور به آن و عمل بر اساس آن توجه ویژه‌ای نشان داده است. غیب، در مقابل شهود، به عالمی اشاره دارد که با حواس ظاهری قابل ادراک نیست و خارج از دسترس ابزارهای مادی قرار دارد.^۱ در این راستا، قرآن گاه به اسباب طبیعی اشاره می‌کند که بر پایه قانون علیت، نظم عالم را شکل می‌دهند؛ اما در کنار این اسباب، اسباب غیبی نیز وجود دارند که از حیطه ادراک حسی و تدبیر عقلی مبتنی بر محاسبات مادی خارج‌اند. این اسباب که می‌توان از آن‌ها به «عوامل فرامادی» تعبیر کرد، شامل عوامل انسانی (مانند بینش، منش و کنش) و غیرانسانی (مانند فرشتگان) می‌شوند و در طول علل مادی عمل می‌کنند.^۲ این اسباب غیبی که در آیاتی مانند آیات ناظر به جنگ بدر برجسته شده‌اند، با سنت‌های الهی نظیر نصرت الهی، امداد غیبی، احقاق حق، ابطال باطل و استجابت دعای مؤمنان همخوانی دارند و به‌عنوان قوانینی ثابت در نظام هستی جریان دارند. این سنت‌ها، قوانینی حقیقی، تخلف‌ناپذیر و جهان‌شمول هستند که خداوند بر اساس حکمت خود، جوامع را بر پایه آن‌ها تدبیر می‌کند.^۳ در واقعه بدر، مؤمنان علی‌رغم ضعف مادی و برخلاف محاسبات ظاهری، با اتکا به وعده‌های الهی به پیروزی دست یافتند که این امر از طریق امدادهای غیبی مانند نزول ملائکه، باران و القای رعب در دل دشمنان محقق شد.

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی نسبت میان «تدبیر عقلی» و «وعدۀ نصرت الهی» در آیات جنگ بدر می‌پردازد. لازم به ذکر است که منظور از «تدبیر عقلی» در این پژوهش، نه نفی کلیت عقل و خردورزی که خود از ارکان فهم دین است، بلکه اشاره به آن جنبه از عقلانیت است که دامنه محاسبات خود را به اسباب طبیعی و داده‌های محسوس محدود می‌کند و در چهارچوب «دستگاه مشاهده محور» عمل می‌نماید. این نوع عقلانیت مادی‌نگر، در مقابل «عقلانیت ایمان‌محور» قرار می‌گیرد که علاوه بر اسباب مادی، به اسباب غیبی، سنت‌های تخلف‌ناپذیر و وعده‌های صریح الهی نیز به‌عنوان متغیرهایی قطعی و تعیین‌کننده در معادلات خود بها می‌دهد. وعده‌هایی که صدور خلف آن از خداوند به دلیل استناد به علم و قدرت مطلق او، محال است.^۴ از منظر حکمت متعالیه، اراده خداوند «اراده‌ای مطلقه و بالذات است؛ اراده‌ای که همه اشیا عالم را فراگرفته است و هیچ ذره‌ای در عالم

۱. طوسی، الأمالی، ۵۵/۱؛ طوسی، تفسیر جوامع الجامع، ۱۴/۱؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۴۵/۱.

۲. ترخان، «نقش و تأثیر علل و عوامل فرامادی در بلاای طبیعی»، ۳۶؛ آقا صفری، ریاحی مهر و خان فاضل اف، «مستندات قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری درباره شرایط بهره‌مندی از امدادهای غیبی»، ۱۱۱.

۳. آقاجانی، «ویژگی‌ها و انواع سنت‌های الهی در تدبیر جوامع»، ۳۳، ۳۶؛ برمضان، «منظومة السنن الإلهیة فی القرآن الکریم و دورها فی التّأسیل لفقه الحضارة الإسلامیة»، ۵۱؛ اعرابی، «مبانی قرآنی و روایی مقاومت در کلام مقام معظم رهبری»، ۱۵۶.

۴. موسوی‌زاده، «تبیین مولفه‌های وعدۀ نصرت الهی در قرآن»، ۳؛ بنایی، «سنت امداد و گونه‌های آن در قرآن کریم»، ۴۸.

از سیطره اراده او خارج نیست».^۵ چنین اراده‌ای که عین ذات الهی است، نمی‌تواند متخلف باشد و لذا وعده‌های مبتنی بر آن، متغیرهایی قطعی در دستگاه محاسباتی ایمان محور محسوب می‌شوند. تمایز کلیدی این دو دستگاه در این است که در وعده‌های الهی، «نتیجه» قطعی و قابل پیش‌بینی است، اما «چگونگی» و «طریق» تحقق آن نتیجه در هاله‌ای از ابهام غیبی قرار دارد و همین ابهام، عرصه اصلی امتحان ایمان و اعتماد به غیب است. براین اساس، سؤال اصلی پژوهش این است که نسبت میان تدبیر عقلی (مبتنی بر محاسبات مادی) و وعده نصرت الهی (مبتنی بر ایمان به غیب) چیست و در شرایط تعارض ظاهری میان این دو، کدام یک اولویت دارد.

سؤالات فرعی عبارت‌اند از: ۱) چگونه اثکا به وعده نصرت الهی در آیات سوره‌های آل عمران و انفال، باوجود ضعف مادی مؤمنان، به پیروزی منجر شده است؟ ۲) شروط تحقق وعده نصرت الهی در برابر محاسبات مادی چیست و این شروط در بدر چگونه محقق شدند؟ این مطالعه با تحلیل آیات بدر نشان می‌دهد که با تحقق شروطی مانند ایمان، صبر، تقوا و استغاثه، وعده نصرت الهی می‌تواند بر محاسبات مادی اولویت یابد و مبنای عمل قرار گیرد. این پژوهش ابتدا مفاهیم اسباب طبیعی، اسباب غیبی و سنت‌های الهی را تبیین کرده، سپس با بررسی آیات بدر، برتری وعده‌های الهی بر اسباب مادی را در شرایط خاص تحلیل می‌کند و در نهایت، پیامدهای عملی این دیدگاه را در حوزه حکمرانی دفاعی و نظامی، به‌ویژه در شرایط عدم توازن قوا، تبیین می‌نماید.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی به بررسی جنگ بدر و ابعاد تاریخی و تفسیری آن پرداخته‌اند، اما تحلیل نسبت میان اسباب مادی (تدبیر عقلی) و وعده‌های الهی (مبتنی بر اسباب غیبی) در آیات مرتبط با این واقعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، جعفریان در مقاله «نبرد بدر»^۶ به تشریح تاریخ و جزئیات این واقعه پرداخته، اما به رابطه اسباب مادی و غیبی در آیات بدر اشاره‌ای نکرده است. در حوزه اسباب طبیعی و غیبی، شیخ شعاعی در کتاب تدبیر معیشت در کتاب و سنت^۷ به بررسی اسباب رزق و معیشت از منظر قرآن و سنت پرداخته، اما این مطالعه به حیطه دفاعی و نظامی یا تحلیل آیات بدر نپرداخته است. خواجه‌پور در مقاله «عالم اسباب و چگونگی تأثیر و تأثرپذیری آن در قرآن»^۸ نظام سببیت قرآنی را بررسی کرده و به

۵. ساجدی، زارع، «توحید افعالی در نظام فلسفی ملاصدرا»، ۹۲.

۶. جعفریان، «نبرد بدر»، ۵۷-۷۸.

۷. شیخ شعاعی، تدبیر معیشت در کتاب و سنت.

۸. خواجه‌پور، «عالم اسباب و چگونگی تأثیر و تأثرپذیری آن در قرآن»، ۱-۲۰.

تأثیر اسباب معنوی در کنار اسباب مادی اشاره نموده، اما این پژوهش نیز به طور خاص به آیات بدر یا نسبت آن‌ها با وعده نصرت الهی توجه نداشته است. اخلاصی فرداد در مقاله «تأثیر عوامل فرامادی در نظام هستی عاملیت الهی در قرآن»^۹ به نقش عوامل فراطبیعی در نظام علیت قرآنی پرداخته و نتیجه گرفته که اسباب الهی در چهارچوب نظام سببیت عمل می‌کنند، اما این مطالعه به طور مستقیم به واقعه بدر یا سنت‌های الهی مانند نصرت و امداد غیبی نپرداخته است. همچنین، اعرابی، ناصح و جنتی در مقاله «مبانی قرآنی نصرت الهی در کلام امام خمینی (ره)»^{۱۰} نشان داده‌اند که اتکا به مبانی قرآنی نصرت الهی، حتی در شرایطی که محاسبات مادی پیروزی را غیرمحتمل نشان می‌داد، به تحقق امدادهای غیبی در نهضت اسلامی ایران منجر شد؛ بااین حال، این پژوهش به تحلیل آیات بدر یا تبیین نسبت تدبیر عقلی و وعده‌های الهی محدود نمانده است؛ بنابراین، باوجود پژوهش‌های ارزشمند در حوزه‌های جنگ بدر، اسباب غیبی و سنت‌های الهی، شکاف پژوهشی مشخصی در این زمینه وجود دارد. پژوهش‌های پیشین یا به توصیف تاریخی واقعه پرداخته‌اند (مانند جعفریان)، یا به صورت کلی نظام سببیت غیبی را بررسی کرده‌اند (مانند خواجه پور و اخلاصی فرداد)، و یا به کاربرد مفهوم نصرت الهی در دوران معاصر پرداخته‌اند (مانند اعرابی و همکاران). اما وجه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر در چند محور کلیدی قابل تبیین است: اولاً این مقاله صرفاً به اثبات وجود اسباب غیبی نمی‌پردازد، بلکه به دنبال ارائه یک «چهارچوب تحلیلی برای تصمیم‌گیری» در شرایط تعارض ظاهری میان داده‌های مادی و وعده‌های الهی است. ابداع و به‌کارگیری مفاهیمی چون «دستگاه محاسباتی ایمان‌محور» در مقابل «دستگاه مشاهده محور»، به این تحلیل عمق نظری بخشیده و آن را از یک بحث تفسیری صرف، به یک مدل کاربردی در حوزه عقلانیت راهبردی ارتقا می‌دهد.

ثانیاً برخلاف مطالعات پیشین که امدادهای غیبی را به صورت کلی بررسی می‌کنند، این پژوهش به طور مشخص بر «نسبت‌سنجی میان دو نظام محاسباتی» در یک واقعه مشخص (جنگ بدر) تمرکز دارد و نشان می‌دهد که چگونه اولویت‌بخشی به وعده الهی، تابع شروط و ضوابطی دقیق (مانند ایمان، صبر و تقوا به مثابه «پارامترهای هوشمند») است و امری بی‌ضابطه نیست. این پژوهش با تحلیل دقیق این نسبت، به دنبال پر کردن شکاف موجود و ارائه چهارچوبی برای فهم بهتر تصمیم‌گیری‌های راهبردی در شرایط عدم توازن قوا است.

۹. اخلاصی فرداد، «تأثیر عوامل فرامادی در نظام هستی: عاملیت الهی در قرآن».

۱۰. اعرابی، ناصح، جنتی، «مبانی قرآنی نصرت الهی در کلام امام خمینی (ره)».

۱. چهارچوب نظری: نسبت‌سنجی میان نظام اسباب مادی و نظام اسباب غیبی

برای تبیین دقیق نسبت میان «تدبیر عقلی» (مبتنی بر تحلیل ظواهر و اسباب مادی) و «وعدۀ نصرت الهی» (مؤلفه‌ای غیبی در دستگاه ایمان‌محور)، ابتدا باید به دو نظام اسباب طبیعی (مادی) و غیبی (معنوی/الهی) و نگرش این دو دستگاه محاسباتی به آن‌ها پرداخت. این تحلیل به فهم عمیق‌تر چگونگی تصمیم‌گیری و وقوع نتایج در شرایط حضور هر دو دسته از اسباب یاری می‌رساند.

۱/۱. اسباب طبیعی (مادی) و دستگاه مشاهده محور

در «دستگاه مشاهده محور» یا «عقلانیت مادی»، «اسباب طبیعی» یا «قوانین مادی» به عنوان اصلی‌ترین عوامل مؤثر در پدیده‌ها تلقی می‌شوند. این قانونمندی‌های تکوینی، مبنای نظام آفرینش هستند، چنانکه قرآن می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ»^{۱۱} یعنی اعمال بر اساس شاکله (طبیعت و خلقت) هر فرد صادر می‌شود.^{۱۲} ویژگی این قوانین، مادی بودن، قابلیت بررسی تجربی، و تکرارپذیری است. در این رویکرد، شناخت «علل مادی» و «طُرُق» عملکرد پدیده‌ها محوریت دارد و استراتژی اصلی، «تدبیر طرق مادی بر اساس پیش‌بینی طُرُق» است؛ یعنی شناسایی و تحلیل سازوکارهای مادی، پیش‌بینی نتایج آن‌ها، و سپس برنامه‌ریزی برای انتخاب بهترین طریق.

بالبین حال، اتکای صرف به اسباب مادی از منظر عقلانیت قرآنی با چالش‌هایی مواجه است. اولاً، قطعیت این قوانین مبتنی بر «استقراء ناقص» محل تأمل است، زیرا مشاهدات تجربی محدود، یقین مطلق ایجاد نمی‌کنند و رویکرد تجربی، «پارامترهای هوشمند و فارغ از طریق» (مؤلفه‌های مؤثری که فارغ از طریق مادی و مبتنی بر ایمان به وعده‌ها و سنن الهی عمل می‌کنند) را لحاظ نمی‌کند. چه بسا علتی غیرمادی یا سنتی الهی در لایه‌ای بالاتر عمل کند.

ثانیاً از منظر توحید افعالی، اراده الهی بر تمامی اسباب مادی حاکم است و هر علت مادی به اذن او مؤثر است. امکان تغییر این روال در شرایط خاص یا تحت حاکمیت سنتی الهی بالاتر وجود دارد، مانند سردشدن آتش بر حضرت ابراهیم (ع) «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ».^{۱۳} در نظام طولی علیت، اسباب معنوی بر اسباب مادی «حکومت» داشته و می‌توانند مسیر عالم را تغییر دهند.^{۱۴} تأکید حکما بر نفی «اتفاق» و وجود اسباب حقیقی^{۱۵} نیز پیچیدگی نظام هستی را نشان می‌دهد. حتی معجزات، تحقق

۱۱. اسراء: ۸۴

۱۲. طباطبایی، المیزان، ۱۳/۱۹۳؛ ابن قتیبه، تفسیر غریب القرآن، ۲۲۱.

۱۳. انبیاء: ۶۹

۱۴. ترخان، «نقش و تأثیر علل و عوامل فرامادی»، ۵۴؛ حبیبی‌سی‌سرا، «بررسی و تحلیل سنت امداد در جهاد از دیدگاه قرآن»، ۱۹۸.

۱۵. نصیر الدین طوسی، شرح الاشارات والتنبیها، ۴۷/۱؛ محقق سبزواری، شرح المنظومة، ۲/۴۲۲؛ طباطبایی، نهاية الحکمة، ۱۹۰.

علیت از طریق اسباب غیر ملموس یا سریع‌تر از عادت هستند.^{۱۶} بنابراین، عقلانیت قرآنی ضمن تأکید بر لزوم شناخت و به‌کارگیری اسباب طبیعی، آن‌ها را مستقل از اراده الهی و سنت‌های غیبی نمی‌داند. در نظام طولی علیت، اسباب معنوی بر اسباب مادی «حکومت» داشته و می‌توانند مسیر عالم را تغییر دهند. از منظر حکمت متعالیه، این حاکمیت به معنای آن است که در عالم وجود، تنها یک مؤثر و فاعل حقیقی وجود دارد و او خداوند متعال است. سایر علل و اسباب، چه مادی و چه غیرمادی، فاعل‌های بالعرض و «مُعدّات» هستند که زمینه را برای فیض فاعل اول فراهم می‌کنند.^{۱۷} بنابراین، هر سببی تنها به اذن او مؤثر است و نظام اسباب، مجرای تحقق اراده اوست، نه امری مستقل در برابر آن.

۱/۲. اسباب غیبی (معنوی / الهی) و دستگاه محاسباتی ایمان‌محور

عقلانیت قرآنی و دستگاه محاسباتی ایمان‌محور، بر وجود و تأثیر «اسباب غیبی» یا «معنوی / الهی» تأکید دارد. این اسباب، خارج از ادراک حسی و محاسبات مادی،^{۱۸} نقشی اساسی در جهت‌دهی وقایع، تحقق وعده‌های الهی، و عملکرد نظام هستی دارند. شناخت و تعامل با این اسباب، از ارکان تمایز عقلانیت قرآنی است.

دستگاه محاسباتی ایمان‌محور بر چند اصل بنیادین استوار است که درک آن‌ها برای فهم نحوه تصمیم‌گیری از منظر قرآنی ضروری است:

اصل اول، حتمیت نتیجه نهایی (تقدیر الهی): این اصل بیان می‌دارد که نتیجه نهایی وقایع از پیش در علم الهی تعیین شده است.^{۱۹} این باور، نه به معنای جبرگرایی، بلکه به‌منظور ایجاد آرامش درونی، تقویت توکل و تمرکز بر «انجام وظیفه» بدون اضطراب از نتیجه است.

اصل دوم، تضمین هدایت و کفایت برای متقین: بر اساس این اصل، هر فرد یا جامعه‌ای که تقوای الهی پیشه کند و خود را تسلیم اوامر الهی نماید، خداوند راه خروج از مشکلات،^{۲۰} هدایت به مسیر صحیح^{۲۱} و کفایت امور او را تضمین می‌کند.

اصل سوم، تحقق «من حیث لایحسب» وعده‌ها: این اصل کلیدی بیان می‌دارد که خداوند تمایل دارد وعده‌های خود را از راه‌هایی غیرمنتظره و فارغ از محاسبات مادی متعارف محقق سازد.^{۲۲} این امر کارکردی

۱۶. طباطبایی، المیزان، ۷۵/۱.

۱۷. طباطبایی، نهاية الحکمة، ۱۷۶.

۱۸. خواجه‌پور، «عالم اسباب»، ۱۲.

۱۹. حدید: ۲۲.

۲۰. طلاق: ۲.

۲۱. عنکبوت: ۶۹.

۲۲. طلاق: ۳.

تربیتی دارد تا ایمان و اعتماد مؤمنان به غیب را پرورش دهد.

این اصول، در کنار رکن اساسی «وظیفه‌محوری» - یعنی تمرکز بر انجام تکلیف شرعی به جای دلبستگی به یک طریق مادی خاص - چهارچوب این عقلانیت را شکل می‌دهند. مؤمن با تشخیص و اقدام به وظیفه، خود را در مسیر تحقق قطعی وعده‌های الهی قرار می‌دهد و چگونگی حصول نتیجه را به حکمت و تدبیر خداوند وامی‌گذارد.

این قوانین و اسباب غیرمادی، غالباً «سنت‌های الهی» نامیده می‌شوند. «سنت» به معنای طبیعت شیء^{۲۳} یا سیره و طریقه متداول^{۲۴} است. «سنت‌های الهی» را می‌توان «ضوابط افعال الهی» یا «روش‌های تدبیر و اداره عالم»،^{۲۵} «تعبیر دینی از نظام جهان و قانون اسباب»،^{۲۶} و «ارادة الله» که حکمت الهی را تجسم می‌بخشد،^{۲۷} دانست. این سنت‌ها به دسته‌هایی چون مطلق و مشروط،^{۲۸} تکوینی و تشریعی،^{۲۹} و رحمت‌مدار و عذاب‌مدار^{۳۰} تقسیم می‌شوند. شناخت دقیق آن‌ها عمدتاً از طریق وحی میسر است، زیرا با ابزار مادی یا عقل بشری کاملاً قابل‌کشف نیستند. قرآن بر تخلف‌ناپذیری این سنت‌ها تأکید دارد: «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا».^{۳۱} این تخلف‌ناپذیری، چنانکه مفسران تبیین کرده‌اند، به معنای آن است که سنت الهی نه «تبدیل» می‌شود (یعنی عذاب جای خود را به نعمت دهد) و نه «تحویل» (یعنی از قومی مستحق به دیگری منتقل شود)^{۳۲} و به مثابه یک قانون قطعی عمل می‌کند. باین حال، این تخلف‌ناپذیری به معنای بی‌قیدوشرط بودن نیست؛ لذا برخی، سنت‌های الهی را «قوانین مشروط» می‌دانند که تحقق‌شان منوط به فراهم آمدن شروط و رفع موانع است.^{۳۳}

یکی از نکات کلیدی، درک نظام سلسله مراتبی طولی حاکم بر اسباب مادی و غیبی است. پارامترهای غیبی و سنت‌های الهی در لایه‌های بالاتری از نظام علیّت قرار گرفته و بر عملکرد اسباب مادی احاطه دارند؛ اسباب مادی، مجاری تحقق اراده الهی و عملکردشان تحت تأثیر پارامترهای غیبی - که در «حیطه

۲۳. ابن منظور، لسان العرب، ۱۳/۲۲۶.

۲۴. طباطبایی، المیزان، ۱۶/۳۴۰.

۲۵. مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، ۴۶۹.

۲۶. مطهری، مجموعه آثار، ۱/۱۳۵.

۲۷. صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه موسوی اصفهانی، ۸۵.

۲۸. آقاخان، «ویژگی‌ها و انواع سنت‌های الهی»، ۵۶.

۲۹. حبیبی سی‌سرا، «بررسی و تحلیل سنت امداد»، ۱۸۵.

۳۰. بنایی، «سنت امداد»، ۵۱.

۳۱. فاطر: ۴۳.

۳۲. ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۷/۵۸؛ ابن عاشور، التحرير و التنوير، ۲۲/۱۸۸.

۳۳. سیدی فرد، «سنت‌های الهی و حساسیت به داده‌های تجربی»، ۱۷.

تدبیر عقلانی» انسان در نمی‌آیند - است. درک این سلسله‌مراتب برای سیاست‌گذار در دستگاه ایمان‌محور حیاتی است، زیرا بهترین سیاست‌گذاری، بالاترین پارامترها یعنی «پارامترهای هوشمند و فارغ از طریق» (مانند ایمان، تقوا، دعا، صبر، اراده انسان، و وضعیت معنوی جامعه) را در نظر می‌گیرد. این عوامل مستقیماً و فارغ از طرق مادی بر جریان سنت‌های الهی و تحقق وعده‌ها تأثیر می‌گذارند.

از مهم‌ترین کارکردهای اسباب غیبی، تحقق «وعدۀ‌های الهی» است، مانند نصرت «...وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ...»^{۳۴}، رزق «وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ...»^{۳۵}، گشایش برای متقین «...وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا»^{۳۶} و هدایت برای مجاهدان «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...»^{۳۷}. این وعده‌ها، مبتنی بر عملکرد اسباب غیبی و فعال‌شدن پارامترهای هوشمند هستند. دستگاه محاسباتی ایمان‌محور، با باور به این وعده‌ها و شناخت سنت‌های حاکم، مبنای تصمیم‌گیری خود را، به‌ویژه در بزنگاه‌ها، بر این وعده‌ها و فراهم‌آوردن شروط معنوی لازم (همان «پارامترهای هوشمند» چون ایمان و توکل،^{۳۸} صبر و استقامت،^{۳۹} تقوا و اطاعت،^{۴۰} و دعا و استغاثه^{۴۱}) استوار می‌سازد. این امر به مؤمن شجاعت اقدام در شرایطی را می‌دهد که از منظر مادی توجیه‌ناپذیر است، اما با اتکاء به وعده الهی نتایجی شگفت‌انگیز به بار می‌آورد. جنگ بدر نمونه بارزی از این نظام محاسباتی است.

بنابراین، شناخت اسباب غیبی و سنت‌های الهی، و باور فعال به تأثیرگذاری آن‌ها، نافی لزوم شناخت و به‌کارگیری اسباب مادی نیست، بلکه افق دید مؤمن را گسترش داده و او را به نظام علیت پیچیده‌تر و هدفمندتری آگاه می‌سازد. این آگاهی و ایمان، زیربنای تصمیم‌گیری‌های شجاعانه، امیدوارانه و مبتنی بر توکل در چهارچوب عقلانیت قرآنی است.

۲. واقعه جنگ بدر: زمینه‌ای برای تحلیل نسبت تدبیر و وعده الهی

پس از تبیین اسباب طبیعی، غیبی و سنت‌های الهی، واقعه جنگ بدر به‌عنوان شاهی از آیات قرآن کریم بررسی می‌شود. اهمیت جنگ بدر در این است که مؤمنان، باوجود ضعف مادی و اینکه «تدبیر مادی» حکم به عدم شروع جنگ می‌کرد، باتکیه بر وعده نصرت الهی وارد جنگ شده و با شمول سنت‌های

۳۴. انفال: ۱۰.

۳۵. طلاق: ۳.

۳۶. طلاق: ۴.

۳۷. عنکبوت: ۶۹.

۳۸. روشن‌ضمیر، «شرایط برخورداری از امدادهای ویژه الهی»، ۱۱۴؛ اعرابی، «مبانی قرآنی و روایی مقاومت»، ۱۵۲.

۳۹. رشید، ادریس‌یان، «تبیین آموزه‌های جهادی قرآنی مؤثر بر روحیه جهادی»، ۱۶؛ موسوی‌زاده، «تبیین مولفه‌های وعده نصرت الهی»، ۵۱.

۴۰. حبیبی سی‌سرا، «بررسی و تحلیل سنت امداد»، ۱۸۶؛ آقا صفری، ریاحی مهر، خان فاضل اف، «مستندات قرآنی»، ۱۳۰.

۴۱. آقا صفری، ریاحی مهر، خان فاضل اف، «مستندات قرآنی»، ۱۲۴.

الهی، پیروز گشتند. در این بخش ابتدا داستان جنگ بدر بیان می‌شود تا زمینه تحلیل آیات مرتبط فراهم آید.

۱/۲. داستان جنگ بدر: بستری برای آزمون ایمان و تدبیر

واقعه بدر که بنابر قول مورخان در هفدهم رمضان سال دوم هجری رخ داد،^{۴۲} به عنوان نخستین رویارویی گسترده و مسلحانه مسلمانان با کفار قریش،^{۴۳} نه تنها نقطه عطفی در تاریخ اسلام، بلکه عرصه‌ای برای تجلی نسبت میان تدبیر انسانی و نصرت الهی بود. این واقعه، شرایطی را فراهم آورد که در آن، مؤمنان در معرض انتخابی حیاتی میان اتکا به محاسبات ظاهری و مادی، و توکل بر وعده‌های غیبی پروردگار قرار گرفتند.

ماجرا با اطلاع پیامبر اکرم (ص) از بازگشت کاروان تجاری قریش از شام به هدایت ابوسفیان و حامل اموال قابل توجه، آغاز شد. باتوجه به ستم‌ها و مصادره اموال مسلمانان توسط قریش و نیاز جامعه نوپای اسلامی، پیامبر (ص) به اصحاب فرمان آمادگی برای دستیابی به این کاروان را دادند، با این امید که خداوند این اموال را نصیب ایشان گرداند.^{۴۴} هدف اولیه بسیاری از مسلمانان، چنانکه از آیات قرآن نیز برمی‌آید، دستیابی به همین کاروان تجاری (طائفه غیر ذات الشوکه) بود که مواجهه‌ای کم‌خطرتر و پرغنیمت‌تر به نظر می‌رسید.

ابوسفیان، با آگاهی از حرکت مسلمانان، به سرعت «ضمضم بن عمرو غفاری» را به مکه فرستاد تا قریش را از این خطر آگاه ساخته و برای یاری فراخواند. این خبر قریش را به خشم آورد و برای تجهیز سپاهی بزرگ و حرکت به سمت مدینه مصمم ساخت. هم‌زمان، پیامبر (ص) با حدود سیصد و سیزده تن از یاران خود از مدینه خارج شدند. گزارش‌های اولیه از مشاهده کاروان قریش حکایت داشت، اما نزول وحی، خبر حرکت لشکر مجهز قریش از مکه را به اطلاع ایشان رساند.^{۴۵}

در این مقطع حساس، پیامبر (ص) اصحاب خود را برای تصمیم‌گیری جهت تعقیب کاروان یا مقابله با لشکر قریش به مشورت فراخواندند؛ بزنگاهی که محاسبات عادی نظامی و مادی با ایمان به وعده الهی برای احقاق حق در بوته آزمایش قرار گرفت. این واقعه مصداق بارز «سنت ابتلاء» یا آزمون الهی بود تا صفوف مؤمنان خالص گردد؛ سنتی که به باور مفسرانی چون سید قطب، پیش شرط ضروری برای رسیدن به نصرت است.^{۴۶} علی‌رغم کمبود شدید نیرو و تجهیزات سپاه اسلام - حدود ۳۱۳ نفر با تنها دو اسب و

۴۲. طوسی، الأمالی، ۳۴۲؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ۴۵/۲؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۹/۹، ۱۰۶، ۳۰.

۴۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۷۷/۷؛ جعفریان، «نبرد بدر»، ۵۷.

۴۴. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ۲۰۴؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۳/۹ - ۲۶.

۴۵. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۳/۹ - ۲۶.

۴۶. قطب، فی ظلال القرآن، ۴۸۳/۱.

لزگی و دیگران؛ تحلیل پیوند میان «تدبیر عقلی» و «وعدۀ نصرت الهی» در آیات ناظر به نبرد بدر ۲۲۷/

هفتاد شتر، در مقابل لشکر تقریباً هزار نفری قریش با حدود چهارصد اسب-^{۴۷} و درحالی که تدبیر مادی حکم به پرهیز از درگیری مستقیم می کرد، پس از مشورت و اعلام آمادگی اصحاب و انصار، تصمیم بر حرکت به سمت بدر و مقابله با لشکر قریش اتخاذ شد.

با رسیدن دو سپاه به منطقه بدر، عدم توازن قوا چنان آشکار بود که ابوجهل، با دیدن تعداد اندک مسلمانان، آنان را لقمه ای سهل پنداشت. پیامبر(ص)، با تأکید بر عدم تمایل به آغازگری جنگ، از قریش خواستند از درگیری صرف نظر کرده و ایشان را به دیگر اعراب واگذارند.^{۴۸} گزارش شده است که ایشان حتی آغاز جنگ را تا ظهر به تأخیر انداختند.^{۴۹}

اما سرانجام، به دستور ابوجهل، جنگ درگرفت. در این نبرد نابرابر، رشادت های بی بدیل حضرت علی (ع) و حمزه سیدالشهدا (ع) در کنار پایداری سایر مؤمنان، صحنه هایی از ایثار و ایمان را رقم زد. در لحظات بحرانی جنگ، پیامبر(ص) دست به دعا برداشتند و از خداوند طلب یاری کردند. در پی این استغاثه خالصانه، آثار نزول وحی بر ایشان ظاهر گشت و بشارت نزول هزار فرشته منظم برای یاری مؤمنان داده شد.^{۵۰}

پایان این نبرد، با پیروزی شگفت انگیز مسلمانان و کشته و اسیر شدن تعداد زیادی از سران و جنگجویان قریش (هفتاد کشته و هفتاد اسیر) همراه بود.^{۵۱} این پیروزی که از منظر محاسبات صرفاً مادی تقریباً ناممکن می نمود، نشانه ای آشکار از تحقق وعده الهی و کارآمدی سنت های غیبی بود، آنگاه که مؤمنان با اتکاء به ایمان و باوجود ضعف ظاهری، به وظیفه خود عمل کردند. شهدای مسلمان در این غزوه، چهارده تن (شش نفر از مهاجرین و هشت نفر از انصار) گزارش شده اند.^{۵۲} این واقعه، زمینه ای غنی برای تحلیل چگونگی تعامل تدبیر مادی و توکل بر وعده های الهی در چهارچوب عقلانیت قرآنی فراهم می آورد که در ادامه به تفصیل آیات مرتبط با آن پرداخته خواهد شد.

۲/۲. دسته آیات سورة آل عمران: ۱۲۳-۱۲۶ (نصرت الهی در عین ضعف ظاهری و شروط

تحقیق آن)

آیات ۱۲۳ تا ۱۲۶ سورة مبارکه آل عمران، به صراحت به نصرت خداوند در جنگ بدر، علی رغم ضعف ظاهری مؤمنان، و همچنین به شروط و ماهیت این نصرت الهی اشاره دارند: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ

۴۷. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۶/۹، ۲۷.

۴۸. همان، ۳۲/۹.

۴۹. سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۱۸۹/۳.

۵۰. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴/۸۰۷؛ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۹/۹.

۵۱. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۳۱/۹؛ واقدی، المغازی، ۱۱۲/۱.

۵۲. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۳۴/۹؛ مجلسی، بحار الأنوار، ۳۵۹/۱۹.

أَذَلَّةً فَأَتَقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲۳) إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ (۱۲۴) بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُبَدِّلْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (۱۲۵) وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱۲۶)».

نکته کانونی در آیه ۱۲۳، عبارت «وَأَنْتُمْ أَذَلَّةٌ» است که نه تنها به ضعف مادی و کمبود نفرات، بلکه به یک حالت معنوی عمیق‌تر نیز اشاره دارد؛ یعنی درک فقر ذاتی و وابستگی مطلق به خداوند که خود شرط دریافت نصرت الهی است.^{۵۳} علامه طباطبایی این «ذلت» را ناظر بر کمبود عده و نیرو و در مقابل، قوت و شوکت بسیار دشمن می‌داند.^{۵۴} این وضعیت، از منظر «دستگاه مشاهده‌محور» و محاسبات مادی، شرایطی بسیار نامساعد و پرخطر برای ورود به جنگ بود و «تدبیر عقلانی» رایج، حکم به عدم درگیری یا احتمال بالای شکست می‌کرد. اما در همین شرایط، خداوند نصرت خود را بر مؤمنان نازل فرمود، که نشان‌دهنده حاکمیت نظامی فراتر از اسباب مادی صرف است. این آیه، چه کلامی مستقل در اشاره به نصرت بدر باشد یا تکمیلی بر عتاب آیات پیشین مبنی بر اینکه سستی مؤمنان باوجود ولایت و نصرت الهی (حتی در حال ذلت) سزاوار نیست،^{۵۵} محوریتش تحقق نصرت الهی در شرایطی است که اسباب مادی ظاهراً حکم دیگری داشتند.

آیات بعدی (۱۲۴-۱۲۵) به وعده امداد الهی از طریق نزول ملائکه می‌پردازند. عبارت «أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ» و سپس «بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُبَدِّلْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ»، نشان می‌دهد این امداد غیبی، سنتی الهی و مشروط به فعال شدن «پارامترهای هوشمند» از سوی مؤمنان، یعنی «صبر» و «تقوا» است. این پارامترها از آن جهت «فارغ از طریق» توصیف می‌شوند که تأثیرگذاری آن‌ها مستقیم و بر «نتیجه» متمرکز است، نه بر یک «طریق» یا سازوکار مادی مشخص. به عبارت دیگر، صبر و تقوا کلیدهایی هستند که سنت نصرت الهی را فعال می‌کنند و خداوند خود، طریق تحقق آن نصرت را (در اینجا از طریق نزول ملائکه) به بهترین شکل فراهم می‌سازد. این شروط، کلیدهای فعال‌سازی سنت نصرت الهی هستند و صرف کمبود مادی، مانع از جریان این سنت در صورت تحقق شروط نمی‌شود. کلمه «امداد» (از ریشه مدد) به معنای رساندن یاری به

۵۳. این برداشت با تحلیل علامه طباطبایی که «ذلت» را ناظر به حال مؤمنان «من حیث انفسهم» (بدون در نظر گرفتن ولایت الهی) می‌داند، سازگار است.

(ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۷-۸/۴).

۵۴. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۸/۴.

۵۵. همان، ۷/۴.

نحو اتصال و پیوسته است،^{۵۶} که بیانگر استمرار و قطعیت این یاری در صورت تحقق شرایط است. عبارت «مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا» نیز بر سرعت و فوریت این امداد در لحظه نیاز دلالت دارد.

نکته بسیار مهم در آیه ۱۲۶ نهفته است که ماهیت و هدف این امداد ملائکه و به طور کلی نصرت الهی را تبیین می‌کند: «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ». این آیه، دو نکته اساسی را روشن می‌سازد: اولاً نزول ملائکه و سایر امدادهای غیبی، در وهله اول برای «بشارت» و ایجاد «اطمینان قلبی» در مؤمنان است. این امر، به‌ویژه در شرایطی که محاسبات مادی یأس‌آور به نظر می‌رسد، به تقویت روحیه و پایداری مؤمنان می‌انجامد. خداوند گاهی برای اطمینان قلب مؤمنان، برخی از طرق غیبی نصرت خود را (مانند ملائکه) آشکار می‌سازد، هرچند اتکای اصلی باید بر خود وعده الهی باشد. ثانیاً این آیه با حصر «إِلَّا»، حقیقت نصرت را منحصرراً از جانب خداوند عزیز و حکیم می‌داند «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»؛ یعنی ملائکه یا هر سبب غیبی یا مادی دیگر، صرفاً مجاری و اسبابی هستند که فاعلیت اصلی و نهایی از آن خداوند است. به تعبیر علامه طباطبایی، این حصر ناظر به «المقام الربوبی الذی ینتهی الیه کل أمر و حکم» است؛ مقامی که حقیقت و جوهره نصرت تنها از آنجا نشأت می‌گیرد و اسبابی چون ملائکه، صرفاً مجاری ظاهری برای تحقق آن هستند.^{۵۷} این نگاه، با «نظام سلسله مراتبی اسباب» که در آن، اراده الهی در بالاترین لایه قرار دارد و بر تمام اسباب دیگر محیط است، کاملاً همخوانی دارد. مؤمنان با اینکه موظف به به‌کارگیری اسباب مادی و تلاش هستند، اما پیروزی نهایی را نه از اسباب، بلکه از خداوند می‌دانند.

در ادامه آیات، به هدف این نصرت یعنی «لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ»^{۵۸} اشاره می‌شود که نشان‌دهنده هدفمندی سنت‌های الهی در جهت تضعیف جبهه کفر و اعتلای جبهه حق است. جمله معترضه «لَيْسَ لَكُم مِّنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ...»^{۵۹} نیز بار دیگر تأکید می‌کند که زمام امور و تصمیم نهایی در مورد سرنوشت کفار (هلاکت، توبه، یا عذاب) منحصرراً به دست خداوند است و حتی پیامبر(ص) نیز در این امر، مستقل از اراده الهی، نقشی ندارند.^{۶۰} این امر، از هرگونه شرک در فاعلیت جلوگیری کرده و توحید افعالی را در نگاه مؤمن تقویت می‌کند.

بنابراین، آیات سوره آل عمران در مورد جنگ بدر، نشان می‌دهند که در چهارچوب عقلانیت

۵۶. همان، ۴/۱۰.

۵۷. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۴/۹.

۵۸. آل عمران: ۱۲۷.

۵۹. آل عمران: ۱۲۸.

۶۰. همان، ۴/۱۲.

ایمان‌محور، باوجود ضعف مادی و نامساعد بودن محاسبات ظاهری، چگونه می‌توان با اتکاء به وعده نصرت الهی و با فعال‌سازی پارامترهای هوشمندی چون صبر و تقوا، شاهد تحقق امدادهای غیبی و پیروزی نهایی بود، درحالی‌که فاعلیت اصلی و نهایی همواره از آن خداوند عزیز و حکیم است.

۳/۲. دسته آیات سورة انفال: ۷-۱۲ (و دیگر آیات مرتبط؛ تبیین اراده الهی در مقابل خواست مؤمنان، و تفصیل امدادهای غیبی)

سورة مبارکه انفال، به تفصیل بیشتری به جزئیات واقعه بدر، انگیزه‌ها، امدادها و نتایج آن پرداخته و درک عمیق‌تری از نحوه عملکرد دستگاه محاسباتی ایمان‌محور در این نبرد سرنوشت‌ساز ارائه می‌دهد. آیات اولیه این سوره، به‌ویژه آیات ۷ تا ۱۲، نقش محوری در تبیین این موضوع دارند.

آیه هفتم سورة انفال، یکی از کلیدی‌ترین آیات در فهم تفاوت میان محاسبات و تمایلات اولیه مؤمنان با اراده و تدبیر الهی است: «وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ الذِّكْرِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ». این آیه شریفه، که ظاهراً پس از پایان جنگ نازل شده،^{۶۱} به وعده اولیه خداوند به مؤمنان مبنی بر پیروزی بر یکی از دو گروه دشمن (کاروان تجاری قریش موسوم به «عیر» یا لشکر نظامی آن‌ها موسوم به «نفیر») اشاره می‌کند.^{۶۲} نکته بسیار مهم، تمایل و «وَدَّ» مؤمنان به مواجهه با کاروان تجاری («غَيْرِ الذِّكْرِ») است که هم از نظر نظامی کم‌خطرتر بود و هم غنائم مادی فراوانی در پی داشت. این تمایل، برخاسته از «تدبیر عقلی» مبتنی بر اسباب مادی و ظاهری و با در نظر گرفتن منافع کوتاه‌مدت بود. اما در مقابل، «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ»؛ اراده الهی بر امری والا تر و راهبردی‌تر تعلق گرفته بود: تثبیت حق و ریشه‌کن کردن کفر، از طریق مواجهه با لشکر مجهز و قدرتمند قریش («ذات الشوكة»). این تفاوت میان «وَدَّ» مؤمنان و «اراده» الهی، تقابل میان دستگاه محاسباتی صرفاً مادی و کوتاه‌نگر با دستگاه محاسباتی ایمان‌محور و الهی را که بر اساس سنت‌های غیبی و اهداف بلندمدت عمل می‌کند، نشان می‌دهد. این تقابل، روایت سیره‌نویسان مبنی بر غنیمت‌محور بودن حرکت اولیه را به چالش کشیده و هدفمندی الهی را در مرکز تحلیل قرار می‌دهد.^{۶۳} خداوند، برخلاف تدبیر مادی اولیه مسلمانان، آنان را به رویارویی با لشکر پر امکانات قریش کشاند تا هم حقانیت اسلام را اثبات کند و هم سنت نصرت خود را در شرایط ضعف مادی مؤمنان به نمایش گذارد. چنانکه علامه طباطبایی اشاره دارد، خداوند می‌خواست تا با لشکریان ایشان روبرو شوید و

۶۱. همان، ۲۰/۹.

۶۲. همان، ۲۱/۹-۲۰؛ صادقی‌تهرانی، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۱۷۷.

۶۳. بیگی، قادری، «غزوه بدر»، ۱۱-۹.

او شما را با کمی عدوتان بر ایشان غلبه دهد و بدین وسیله قضای او مبنی بر ظهور حق و استیصال کفار به کرسی بنشیند.^{۶۴} آیه بعدی نیز بر همین هدف تأکید می‌کند: «لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيُطْلِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ».^{۶۵} این نشان می‌دهد که در دستگاه محاسباتی الهی، گاهی اهداف متعالی‌تر، مستلزم ورود به عرصه‌هایی است که از منظر محاسبات مادی، پرخطر یا نامطلوب به نظر می‌رسند.

در ادامه، آیات به تفصیل به امدادها، غیبی و اسباب معنوی که در جنگ بدر به نصرت مؤمنان آمدند، می‌پردازند. این امدادها، تجلی عملکرد «اسباب غیبی» و «سنت‌های الهی» در چهارچوب «نظام سلسله مراتبی اسباب» هستند که فراتر از محاسبات مادی، نتیجه جنگ را به نفع مؤمنان رقم زدند. آیه نهم، به نقش «استغاثه» به عنوان یک «پارامتر هوشمند و فارغ از طریق» اشاره می‌کند: «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُم بِالْفِئَةِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ».^{۶۶} استغاثه خالصانه و از سر اضطرار مؤمنان، زمینه را برای اجابت الهی و نزول امداد ملائکه فراهم آورد. این نشان می‌دهد که در دستگاه ایمان‌محور، دعا و استغاثه، صرفاً عملی عبادی نیست، بلکه عاملی مؤثر در تغییر شرایط و جلب نصرت الهی است.

آیه دهم، بار دیگر بر ماهیت و هدف این امداد تأکید می‌کند، مشابه آنچه در سوره آل عمران آمده بود: «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ».^{۶۷} این امداد ملائکه، در درجه اول برای بشارت و ایجاد اطمینان قلبی در مؤمنان بود تا با روحیه‌ای قوی و اراده‌ای مصمم به نبرد ادامه دهند. مهم‌تر آن‌که، نصرت حقیقی و نهایی، منحصرراً از جانب خداوند عزیز و حکیم است. نکته جالب توجه در این فراز، اشاره به این است که نصرت حاصل شده برای مؤمنان، «طریق مادی» نداشت و پیروزی تنها مستند به خدا و از جانب او بود. این آیه، بار دیگر بر فاعلیت اصلی خداوند و اینکه اسباب (اعم از مادی و غیبی) تنها مجاری اراده او هستند، تأکید می‌ورزد. این اصل، مؤمن را از اتکای استقلال‌ی به هر سببی غیر از خداوند بازداشته و به توکل حقیقی بر پروردگار رهنمون می‌شود. لذا اگرچه مؤمنان به اسباب مادی تمسک می‌کنند، اتکای آنان نباید به این اسباب باشد، بلکه تنها به خداوند. در مواردی که وعده الهی بر کفایت و نصرت است، حتی با «عدم توجیه مادی عمل»، باید با تکیه بر آن وعده وارد عمل شده و سرانجام را به او سپرد.

این منطق قرآنی، تمایز ظریفی را میان «خود امداد غیبی» و «علم به چگونگی آن» آشکار می‌سازد. نفس نزول ملائکه یک سبب واقعی و مؤثر در عالم خارج است، اما «بیان کردن» این چگونگی برای

۶۴. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۹/۹.

۶۵. انفال: ۸.

۶۶. انفال: ۹.

۶۷. آل عمران: ۱۲۶.

مؤمنان، کارکردی روان‌شناختی برای بشارت و اطمینان‌بخشی دارد. همان‌طور که در چهارچوب نظری اشاره شد، در مؤلفه‌های غیبی «نتیجه» (نصرت) تضمین شده است، اما «چگونگی» آن معمولاً در ابهام قرار دارد تا ایمان آزموده شود. خداوند در بدر، با آشکار کردن یکی از طرق امداد خود (ملائیکه)، به مؤمنان اطمینان قلبی بخشید تا در آن شرایط اضطراری، بر وعده الهی ثابت‌قدم بمانند. این الگو نشان می‌دهد که افشای طریق غیبی، خود بخشی از تدبیر الهی برای تقویت روحی جبهه ایمان است.

آیه یازدهم، به تفصیل بیشتری از امدادهای غیبی می‌پردازد که هر یک به نوبه خود، شرایط را به نفع مؤمنان تغییر دادند: «إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ وَ يُنْزِلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُم رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ».^{۶۸} نزول «نعاس» (خواب سبک) به‌عنوان امان و آرامشی از جانب خداوند، در شرایط سخت و پر اضطراب جنگ، به تجدید قوای روحی و جسمی مؤمنان کمک کرد. روشن است که اگر ترس و رعب از بین نرفته بود، معقول نبود که در میدان جنگ، خواب مسلط شود.^{۶۹} نزول «باران» نیز چندین فایده در پی داشت: پاکیزگی ظاهری و رفع حدث، زدودن «رجز شیطان» (وسوسه‌های پلید)، تقویت قلوب (لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ که کنایه از تشجیع است)، و تثبیت قدم‌ها در زمین ریگزار و لغزنده اردوگاه مسلمانان، درحالی‌که اردوگاه کفار را گل‌آلود و نامناسب برای حرکت کرد.^{۷۰} این‌ها همگی نمونه‌هایی از عملکرد اسباب غیبی و تدبیر الهی برای تغییر شرایط مادی به نفع مؤمنان است که از حیطة محاسبات عادی خارج بود. این الگو، چنان‌که رشید رضا در المنار تبیین می‌کند، نمونه‌ای از تحقق اراده الهی در بستر «سنن الهی در اسباب و مسببات» است؛^{۷۱} جایی که یک پدیده طبیعی (باران) با چهار فایده کلیدی، شامل تطهیر، رفع وسوسه، تقویت قلوب و تثبیت قدم‌ها، به ابزاری برای نصرت مؤمنان تبدیل می‌شود.^{۷۲} این موارد، مصادیق بارز «امدادهای غیبی» هستند که هم می‌توانند به شکل حوادث طبیعی و دور از انتظار جلوه کنند و هم به صورت تأثیرات روانی مستقیم.^{۷۳}

آیه دوازدهم، به نقش مستقیم‌تر ملائیکه در نبرد و تأثیرگذاری بر طرفین اشاره دارد: «إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَالِقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اضْرِبُوا

۶۸. انفال: ۱۱.

۶۹. همان، ۲۴/۹.

۷۰. طبرسی، مجمع البیان، ۸۰۷/۴؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۳/۹.

۷۱. رضا، تفسیر المنار، ۲۰-۲۱/۹.

۷۲. رضا، تفسیر المنار، ۶۱۱-۶۱۲/۹.

۷۳. حبیبی سی‌سرا، «بررسی و تحلیل سنت امداد»، ۱۹۱، ۱۹۵؛ ابراهیمیان، ربیعی، بسمل، «شیوه‌های نزول امدادهای غیبی بر مومنین»، ۱۷۱؛ بنایی، «سنت امداد»، ۶۱.

مِنْهُمْ كُلُّ بَنَانٍ».^{۷۴} در اینجا، خداوند به ملائکه وحی می‌کند که همراه مؤمنان باشند و آنان را ثابت قدم بدارند (نقش روانی و معنوی)، و خود وعده می‌دهد که در قلوب کافران رعب و وحشت بیفکند (یکی از مهم‌ترین اسباب غیبی شکست دشمن). سپس، به مؤمنان (یا به ملائکه به‌عنوان مجری امر الهی) دستور می‌دهد که با شدت با کفار بجنگند.^{۷۵} این آیه نشان می‌دهد امداد ملائکه صرفاً حضوری نمادین نبوده، بلکه در تثبیت مؤمنان و احتمالاً در درگیری مستقیم نیز نقش داشته‌اند، هرچند چنان‌که در آیه ۱۰ تأکید شد، نصرت اصلی از جانب خداست و نقش ملائکه، در چهارچوب اسباب الهی و برای بشارت و اطمینان بوده است.

آیات دیگری از سوره انفال نیز به جوانب مختلف این واقعه و عملکرد دستگاه محاسباتی ایمان‌محور اشاره دارند. آیه ۴۲: «إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتِلَافْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ...» نشان می‌دهد خداوند چگونه با تدبیر خود، دو گروه را در شرایطی به ظاهر نامساعد برای مسلمانان، رودررو قرار داد تا امری که مقدر بود (پیروزی حق و اتمام حجت) محقق شود. اگر قرار بر تواعد و محاسبات عادی بود، شاید هرگز چنین مواجهه‌ای شکل نمی‌گرفت.^{۷۶} این نمونه‌ای از «مکر تربیتی الهی» است؛ یعنی خداوند گاهی برای رشد ایمان مؤمنان و نشان دادن صدق وعده‌هایش، شرایط را به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که از منظر محاسبات صرفاً مادی، دور از انتظار یا نامطلوب به نظر می‌رسد، اما در نهایت به تحقق اهداف عالی‌تر و تقویت یقین مؤمنان می‌انجامد. در واقعه بدر، این تدبیر الهی مؤمنان را که ابتدا تمایل به مواجهه با کاروان تجاری داشتند، به میدان مبارزه با لشکر مجهز دشمن کشاند تا هم حجت را بر همگان تمام کند و هم صدق وعده نصرت خود را در شرایطی به ظاهر ناممکن، به آنان نشان دهد و ایمانشان را به سطوح بالاتری از اعتماد به غیب و سنت‌های الهی ارتقا دهد.

این تدبیر الهی که منجر به رویارویی دو سپاه در شرایطی به ظاهر نامطلوب برای مسلمانان شد، در کلام مفسران به‌عنوان شاهدی بر حاکمیت اراده الهی بر اسباب عادی تلقی شده است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، بر این نکته تأکید می‌کند که عبارت «وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتِلَافْتُمْ فِي الْمِيعَادِ» نشان می‌دهد که این رویارویی از حوزه برنامه‌ریزی و اراده انسانی خارج بود. محاسبات عادی، با توجه به ضعف مادی مؤمنان، هرگز به چنین مواجهه‌ای ختم نمی‌شد. اما خداوند با تدبیر خود، اسباب را چنان فراهم آورد

۷۴. انفال: ۱۲.

۷۵. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۵/۴۶۳.

۷۶. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۹۱/۹؛ انصاریان، ترجمه قرآن، ۱۸۲.

«لَيَقْضِيَنَّ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا»؛ تا امری را که در علم الهی قطعی و مقدر بود، به انجام رساند.^{۷۷} این «امر مفعول»، همان پیروزی جبهه حق و اتمام حجت بر همگان بود تا «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ».^{۷۸} بنابراین، واقعه بدر از منظر قرآن، صرفاً یک رخداد نظامی نیست، بلکه صحنه اجرای یک نقشه الهی برای آشکار ساختن حق و باطل است؛ نقشه‌ای که فراتر از محاسبات طرفین درگیر عمل می‌کند و نشان می‌دهد که در دستگاه محاسباتی ایمان محور، متغیر اصلی، اراده و قضای تخلف‌ناپذیر الهی است. در سوره انفال آیه ۴۳ و ۴۴: «إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلًا وَ لَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَفَاشَلْتُمْ وَ لَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ... وَ إِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّفَيُّنِمْ فِي أَغْنِيَكُمْ قَلِيلًا وَ يُغْلَلْكُمْ فِي أَغْنِيَنِهمْ لَيَقْضِيَنَّ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا...» نیز به یکی دیگر از امدادهای غیبی، یعنی کم نشان دادن تعداد دشمن در رؤیای پیامبر (ص) و در چشم مؤمنان در آغاز نبرد، و همچنین کم نشان دادن مؤمنان در چشم کفار (که شاید باعث غرور و غفلت آنان شد) اشاره دارد. اینها همگی تدابیر الهی برای مدیریت صحنه نبرد و تحقق اراده او بود که فراتر از محاسبات صرفاً کمی و عددی عمل می‌کرد.

این مدیریت ادراک، یکی از ظریف‌ترین جلوه‌های امداد غیبی است که مفسران بزرگی چون ابن عاشور به تحلیل آن پرداخته‌اند. او در التحریر و التنویر اشاره می‌کند که رؤیای پیامبر (ص) مبنی بر کم بودن تعداد دشمن، یک «کنایه رمزی» از وهن و ضعف درونی آنان بود، نه یک گزارش عددی دقیق. این رؤیا که به مؤمنان منتقل شد، کارکردی روان‌شناختی داشت تا تهیب و ترس طبیعی از دشمن قدرتمند را از دل آنان بزداید.^{۷۹} خداوند با این کار، به جای تغییر واقعیت فیزیکی (تعداد نفرات)، واقعیت ذهنی و روانی مؤمنان را مدیریت کرد؛ چرا که می‌دانست تأثیرپذیری نفوس انسانی از مشاهدات و محسوسات، بیش از باورهای عقلی صرف است.^{۸۰}

این تدبیر الهی در تقلیل عدد دشمن در چشم مؤمنان و بالعکس، نمونه‌ای از مهندسی دوگانه صحنه نبرد است. ابن عاشور این پدیده را «بدیع صنع الله» می‌نامد که در آن یک عامل واحد (تقلیل ظاهری)، دو اثر متفاوت اما با یک نتیجه واحد (پیروزی مؤمنان) ایجاد می‌کند. کم دیدن دشمن، در مؤمنان شجاعت و انگیزه اقدام را تقویت کرد، درحالی‌که در مشرکان غرور و غفلت را افزایش داد و آنان را از آمادگی کامل بازداشت.^{۸۱} این نشان می‌دهد که در دستگاه محاسباتی الهی، اعداد و ارقام مادی، متغیرهایی ثابت نیستند،

۷۷. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۹۲/۹-۹۱.

۷۸. همان، ۹۲.

۷۹. ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۱۵/۹.

۸۰. همان، ۱۱۸ (برداشت مفهومی از عبارت: «لعلهم بما فی الصدور البشرية من تأثر النفوس بالمشاهدات و المحسوسات أكثر مما تتأثر بالاعتقادات»).

۸۱. همان، ۱۱۹.

بلکه می‌توانند از طریق تأثیر بر ادراک و روان طرفین، به ابزاری در خدمت تحقق اراده الهی تبدیل شوند. آیه ۴۸ سوره انفال: «وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ» نیز بسیار قابل تأمل است. شیطان که ابتدا کفار را با وعده‌های دروغین و زینت دادن اعمالشان به جنگ تشویق کرده بود، با مشاهده آثار نصرت الهی و حضور ملائکه (إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ)، صحنه را ترک کرده و از آنان برائت می‌جوید.^{۸۲} این نشان می‌دهد حتی شیطان نیز به برتری قدرت الهی و بی‌فایده بودن اتکای صرف به اسباب مادی در برابر سنت‌های الهی، در بزنگاه‌های حساس، آگاه است، هرچند این آگاهی، مانع از تلاش مستمر او برای اغوای انسان‌ها نمی‌شود.

نقش‌آفرینی شیطان در این آیه، تقابل دو نظام محاسباتی را به عرصه غیب نیز می‌کشد. علامه طباطبایی با اشاره به روایات، احتمال تمثیل شیطان در قالب «سرافقه بن مالک» را تقویت می‌کند و بیان می‌دارد که ظاهر آیه نیز با این وجه سازگارتر است.^{۸۳} شیطان با تزئین اعمال مشرکان و دادن وعده پیروزی («لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ») و تضمین حمایت («وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ»)، دقیقاً همان کاری را می‌کند که خداوند برای مؤمنان انجام می‌دهد: ایجاد اطمینان قلبی. اما اطمینان‌بخشی شیطان بر پایه غرور و ارزیابی ظاهری قدرت مادی استوار است، درحالی‌که اطمینان‌بخشی الهی بر ایمان به قدرت غیبی مبتنی است. نقطه اوج این تقابل، لحظه‌ای است که دو جبهه غیبی (ملائکه و شیطان) با یکدیگر مواجه می‌شوند: «فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ». در این لحظه، شیطان با مشاهده امداد الهی («إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ»)، به ضعف محاسبات خود و برتری قدرت الهی اعتراف کرده و از صحنه می‌گریزد. این واقعه نشان می‌دهد که حتی ابلیس نیز در بزنگاه حقیقت، به بطلان دستگاه محاسباتی مادی‌گرا و حاکمیت نهایی سنت‌های الهی آگاه است.

آیه ۴۹ سوره انفال، به صریح‌ترین شکل ممکن، تقابل دو دستگاه محاسباتی را به تصویر می‌کشد. قول منافقان و بیماردلان که «عَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ» (اینان را دینشان فریفته است)، دقیقاً صدای «دستگاه مشاهده‌محور» است که هر اقدامی را که با محاسبات مادی و توازن قوای ظاهری نخواند، غیرعقلانی و ناشی از غرور و فریب می‌داند. رشید رضا در المنار این تعلیل را «أقرب تعلیل معقول لأمثالهم المحرومین من کمال الإیمان باللّه» (نزدیک‌ترین تحلیل معقول برای کسانی که از کمال ایمان به خدا محرومند)

۸۲. بغدادی، لباب التاویل فی معانی التنزیل، ۳۱۸/۲.

۸۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۹۸-۹۹/۹.

می‌داند.^{۸۴} اما قرآن بلافاصله با یک جمله قاطع، منطق دستگاه مقابل را تبیین و تأیید می‌کند: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ». علامه طباطبایی این جمله را پاسخی کو بنده به منافقان و «إِبَانَةُ غُرُورِهِمْ أَنْفُسَهُمْ» (آشکار ساختن فریب‌خوردگی خودشان) می‌داند.^{۸۵} در این پاسخ، تکیه بر دو صفت الهی کلیدی است: «عزیز» (توانمند و شکست‌ناپذیر) که ضامن تحقق وعده نصرت است، و «حکیم» (فرزانة) که تضمین می‌کند این نصرت و تدبیر، بر اساس عالی‌ترین حکمت‌ها صورت می‌گیرد و امری تصادفی نیست. بنابراین، این آیه صرفاً یک گزارش تاریخی نیست، بلکه یک بیانیه معرفت‌شناختی است که «توکل» را نه یک امر احساسی، بلکه یک کنش عقلانی مبتنی بر شناخت صحیح از صفات الهی و سنت‌های حاکم بر عالم معرفی می‌کند.

مجموعه این آیات از سورة انفال، نشان می‌دهد که چگونه اراده الهی، مبتنی بر سنت‌های غیبی و با فعال‌شدن پارامترهای هوشمندی چون ایمان، استغاثه و توکل مؤمنان، و با به‌کارگیری اسباب غیبی متنوع، بر محاسبات صرفاً مادی و ظاهری غلبه کرده و نصرتی بزرگ را برای جبهه حق رقم زد. این واقعه، نه تنها یک پیروزی نظامی، بلکه درسی بزرگ در باب عقلانیت تصمیم‌گیری و توحید افعالی برای تمام نسل‌های مؤمنان است.

۲/۴. تبیین نسبت میان محاسبات مادی و وعده الهی در پرتو آیات جنگ بدر (عملکرد دستگاه محاسباتی ایمان محور)

باتوجه به تحلیل آیات و چهارچوب نظری نظام اسباب و دستگاه محاسباتی ایمان محور، می‌توان به تبیین دقیق‌تری از نسبت «محاسبات مادی (عقلانیت مشاهده محور)» و «وعده الهی (مبنای عقلانیت ایمان محور)» در جنگ بدر پرداخت. جنگ بدر، نه تنها یک رویارویی نظامی، بلکه تجلی‌گاه عملکرد یک نظام محاسباتی متفاوت بود که در آن، مؤمنان با وجود ضعف ظاهری در اسباب مادی، با اتکاء به وعده الهی و فعال‌سازی پارامترهای هوشمند، به نصرتی شگفت‌انگیز دست یافتند.

اولاً باید توجه داشت که آغاز این حرکت از سوی مسلمانان، خود مبتنی بر «وعده الهی» بود: «وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ...».^{۸۶} این وعده، مبنای اولیه اقدام قرار گرفت، هرچند تمایل اولیه مؤمنان، چنانکه گذشت، به مواجهه با گزینه کم‌خطرتر و دارای منافع مادی بیشتر (کاروان تجاری یا «غَيْرِ ذَاتِ السُّوْكَةِ») بود. این نشان می‌دهد حتی در دستگاه ایمان محور، محاسبات مادی و در نظر گرفتن منافع و مضار ظاهری، به طور طبیعی وجود دارد، اما اراده الهی و وعده‌های او می‌تواند این محاسبات را

۸۴. رضا، تفسیر المنار، ۳۱/۱۰.

۸۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۹۹/۹.

۸۶. انفال: ۷.

جهت‌دهی کرده و به سمت اهداف والاتری سوق دهد. در اینجا، اراده خداوند بر احقاق حق از طریق مواجهه با «ذات الشوکه» تعلق گرفته بود که مستلزم کنارگذاشتن محاسبات اولیه و تسلیم در برابر تدبیر الهی بود.

ثانیاً در طول واقعه بدر، مشاهده می‌شود که مؤمنان به طور کامل از اسباب مادی و تدابیر نظامی غافل نبودند. اقدام به تعقیب کاروان، مشورت پیامبر (ص) با اصحاب، و آمادگی برای نبرد، همگی نشان‌دهنده به‌کارگیری اسباب مادی در حد توان و امکانات موجود است. این امر، با اصل «وظیفه‌محوری» در عقلانیت قرآنی سازگار است، یعنی مؤمن موظف به تلاش و استفاده از اسباب در دسترس است، اما نباید به این اسباب اتکالی داشته باشد.

ثالثاً این نکته بسیار کلیدی است، تصمیم مؤمنان در این بزنگاه را می‌توان در چهارچوب دو رویکرد اصلی در نسبت عقل و ایمان تحلیل کرد. در تاریخ اندیشه غرب، دو دیدگاه شاخص در این زمینه وجود دارد: نخست، دیدگاهی که بر آن است که «باورهای ایمانی باعقل سازگار است» و از آن با عنوان «عقل‌گرایی» یاد می‌شود؛ و در مقابل، رویکردی که معتقد است «باورهای ایمانی باعقل سازگار است» و به آن «ایمان‌گرایی» می‌گویند.^{۸۷} با این حال، هر دو رویکرد با چالش‌هایی مواجه‌اند. عقل‌گرایی افراطی، با طرح معیارهای سخت‌گیرانه، راه را بر باورمندی دشوار می‌سازد، چرا که «هیچ مجموعه باور دینی قادر به احراز و کسب همه معیارهای سخت اثبات عقلانی که باید بر تمام باورها حکم فرما باشند نیست».^{۸۸} از سوی دیگر، ایمان‌گرایی نیز با این نقد اساسی روبروست که در مواجهه با کثرت «ادیان گوناگون» که «دعاوی متفاوت و گاهی متناقضی دارند... باید گزینش کنیم. حال پرسش این است که بر چه اساسی این گزینش صورت بگیرد».^{۸۹} در برابر این دو رویکرد، الگوی قرآنی، «دستگاه محاسباتی ایمان‌محور» را به‌عنوان راه سوم معرفی می‌کند که عقلانیت مادی را نه نفی، بلکه در چهارچوب جامع‌تر «نظام طولی اسباب» بازتعریف می‌نماید. در این دستگاه، «وعدۀ‌های وحیانی» و «سنت‌های تخلف‌ناپذیر الهی» به مثابه متغیرهایی قطعی و حاکم بر اسباب مادی در نظر گرفته می‌شوند. از این منظر، اتکال مؤمنان در واقعه بدر، نه تعطیل عقل، بلکه دقیقاً عملکرد این دستگاه محاسباتی بود: یک «اولویت‌بخشی» هوشمندانه که در آن، وعده صریح الهی - به دلیل تحقق شروطش - بر داده‌های برخاسته از محاسبات صرفاً مادی غلبه یافت.

۸۷. محمدرضایی، «رابطه عقل و ایمان»، ۱۲.

۸۸. علیزاده، سلیمانی آملی، رجایی لیکوهی، «بررسی فلسفی رابطه عقل و ایمان»، ۱۴۷.

۸۹. محمدرضایی، «رابطه عقل و ایمان»، ۲۸.

عامل/محور	ارزیابی از منظر محاسبات صرفاً مادی (دیدگاه منافقان/کفار)	ارزیابی از منظر عقلانیت ایمان محور (دیدگاه مؤمنان/قرآن)
۱. تعداد و تجهیزات نیروها	مؤمنان: اندک و ضعیف ("أَذِلَّةٌ")؛ کفار: بسیار و قوی	عامل تعیین کننده نهایی نیست؛ نصرت از جانب خداست («وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»)
۲. وعده های الهی	غیرقابل اتکاء، فریب ("عُزُوراً")	قطعی، تخلف ناپذیر، مبنای اصلی اقدام و امید
۳. امدادهای غیبی (ملائکة و...)	انکار یا نادیده گرفتن	اسباب واقعی و مؤثر در تحقق نصرت، بشارت و اطمینان بخش
۴. پارامترهای معنوی (ایمان، صبر، تقوا، استغاثه)	بی تأثیر یا کم اهمیت در نتیجه نظامی	شروط و کلیدهای اصلی جلب نصرت الهی و فعال سازی سنت های غیبی
۵. اراده و تدبیر الهی	نادیده گرفتن یا انکار نقش مستقیم خداوند در وقایع	حاکم بر تمام اسباب، تعیین کننده نهایی نتایج، و دارای اهداف حکیمانه
۶. نتیجه نهایی قابل پیش بینی	شکست قطعی یا بسیار محتمل برای مؤمنان	پیروزی برای مؤمنان (در صورت تحقق شروط) بر اساس وعده الهی

تصویر ۱ جدول: مقایسه عوامل مؤثر در جنگ بدر از دو دیدگاه؛

نشان دادن تفاوت در ارزیابی عوامل مؤثر از دیدگاه مادی گرا و دیدگاه ایمان محور.

رابعاً تحقیق پیروزی در جنگ بدر، نه از طریق غلبه اسباب مادی مؤمنان بر کفار (که با توجه به تفاوت فاحش امکانات، متصور نبود)، بلکه عمدتاً از طریق فعال شدن «اسباب غیبی» و جاری شدن «سنت های الهی» بود. نزول ملائکة، ایجاد نعاس و آرامش، نزول باران برای تثبیت قدم ها، و القای رعب در دل کافران، همگی تجلیات عملکرد این اسباب غیبی بودند که فراتر از محاسبات مادی، نتیجه جنگ را به نفع مؤمنان رقم زدند. این امر، مؤید «نظام سلسله مراتبی اسباب» است که در آن، اسباب غیبی و اراده الهی در لایه های بالاتر، می توانند عملکرد اسباب مادی را تحت تأثیر قرار داده و جهت دهی کنند. این امدادها، به تعبیر قرآن، برای «بشارت» و «اطمینان قلبی» مؤمنان نیز بود تا در آن شرایط سخت، ایمانشان تقویت شده و با اراده ای قوی تر به نبرد ادامه دهند.

خامساً این واقعه، درسی بزرگ در باب «فراغت از طریق» در تحقق وعده های الهی بود. مؤمنان با وجود تمایل اولیه به طریقی خاص (درگیری با کاروان)، تسلیم اراده الهی برای پیمودن طریقی دیگر

تصویر ۲ نمودار: تعامل اسباب مادی و غیبی در واقعه جنگ بدر- این نمودار نشان می‌دهد که جنگ بدر، صحنه تقابل اسباب مادی ظاهری (ضعف مؤمنان در برابر قدرت کفار) با اراده و وعده الهی بود.

۵/۲. تعمیم چهارچوب نظری: شواهد قرآنی دیگر در حوزه دفاعی

الگوی اولویت بخشی به وعده الهی بر محاسبات مادی صرف، منحصر به واقعه بدر نیست و در سایر آیات دفاعی قرآن نیز قابل مشاهده است. دو نمونه برجسته عبارتند از:

الف) مواجهه با احتمال خیانت دشمن: در آیات ۵۸ تا ۶۲ سوره انفال، خداوند پس از دستور به آمادگی نظامی کامل (وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ)، به پیامبر (ص) می‌فرماید اگر دشمن پیمان شکن تمایل به صلح نشان داد، بپذیر و توکل کن. سپس بلافاصله تضمین می‌دهد: «وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ». این آیه به وضوح نشان می‌دهد که پس از انجام «وظیفه» در حد محاسبات متعارف (آمادگی و پذیرش صلح)، مدیریت ریسک‌های پیچیده‌تر و احتمال خدعه دشمن، به وعده کفایت الهی واگذار می‌شود و مبنای عمل قرار می‌گیرد.

ب) کارکرد تسلیحات؛ ارباب نه غلبه: قرآن در آیه ۶۰ سوره انفال، هدف اصلی از آمادگی نظامی را ترساندن دشمن خدا و دشمنان خود (تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ) معرفی می‌کند. اما در واقعه حنین، به صراحت توبیخ می‌کند که تکیه بر کثرت نیرو و تجهیزات هیچ فایده‌ای نداشت: «إِذْ أَعْجَبَكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً».^{۹۱} کنار هم قرار دادن این دو آیه، این تحلیل عمیق را به دست می‌دهد که در عقلانیت قرآنی، کارکرد اصلی قدرت مادی، «بازدارندگی و ایجاد رعب پیش از نبرد» است، اما در صحنه نبرد، عامل تعیین‌کننده پیروزی نیست و هرگونه اتکای قلبی به آن، می‌تواند زمینه شکست را فراهم آورد.

۳. ثمرات دیدگاه (پیامدهای عملی اتخاذ دستگاه محاسباتی ایمان محور در عرصه دفاعی و راهبردی)

پذیرش و فهم عمیق نسبت میان محاسبات مادی و وعده نصرت الهی، آن‌گونه که در واقعه جنگ بدر تجلی یافت و در چهارچوب «دستگاه محاسباتی ایمان محور» قابل تبیین است، ثمرات و پیامدهای عملی مهمی، به‌ویژه در حوزه حکمرانی دفاعی، نظامی و تصمیم‌گیری‌های راهبردی به همراه دارد. این دیدگاه، صرفاً یک تحلیل تاریخی یا نظری انتزاعی نیست، بلکه می‌تواند به‌عنوان یک الگوی کارآمد برای جوامع ایمانی در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدات، به‌ویژه در شرایط عدم توازن قوای مادی، مورد استفاده قرار گیرد.

پژوهش‌های میدانی نیز نشان داده‌اند که باور به آموزه‌هایی چون «نصرت دین خدا»، بیشترین تأثیر را در ارتقای روحیه جهادی نیروهای مسلح دارد.^{۹۲} این باور، موجب «احساس پناهگاه، خوش‌بینی به آینده، و شوق به استمرار فعالیت شجاعانه» می‌شود.^{۹۳}

یکی از مهم‌ترین ثمرات این دیدگاه، مشروعیت‌بخشی و ایجاد مبنای نظری برای «اقدام مبتنی بر توکل و ایمان» در شرایط کمبود امکانات مادی و غلبه ظاهری دشمن است. هنگامی که محاسبات صرفاً مادی، راه را برای اقدام مسدود یا بسیار پرخطر نشان می‌دهند، و یا حکم به انفعال و تسلیم در برابر قدرت برتر دشمن می‌کنند، عقلانیت ایمان‌محور، با اتکاء به وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی و با فراهم آوردن شروط و پارامترهای هوشمند لازم (چون ایمان، صبر، تقوا، وحدت، اطاعت از رهبری الهی و استغاثه)، افق جدیدی برای عمل و ابتکار می‌گشاید. جنگ بدر نشان داد که در چنین شرایطی، جامعه مؤمن می‌تواند با توکل بر خداوند و با انجام وظیفه خود در مقابله با ظلم و کفر، حتی با امکانات محدود، به میدان رفته و امید به نصرت الهی و تحقق وعده‌های او از طرق غیبی و «من حیث لایحتمسب» داشته باشد. این رویکرد، مانع از یأس، انفعال و خودباختگی در برابر قدرت‌های مادی ظاهری شده و روحیه مقاومت، جهاد و ایثار را در جامعه تقویت می‌کند.

ثمره دیگر، تغییر در اولویت‌ها و معیارهای تصمیم‌گیری راهبردی است. در دستگاه محاسباتی ایمان‌محور، صرف برتری مادی، تضمین‌کننده پیروزی نیست و صرف ضعف مادی نیز لزوماً به معنای شکست نخواهد بود. بلکه، عواملی چون حقانیت هدف، میزان ایمان و توکل، کیفیت رهبری، وحدت و انسجام داخلی، و رعایت تقوا و عدالت، به‌عنوان «پارامترهای هوشمند» و تعیین‌کننده، در کنار آمادگی مادی (به‌عنوان وظیفه)، مورد توجه قرار می‌گیرند. این امر، سیاست‌گذاران و فرماندهان نظامی را به سمت توجه همزمان به ابعاد مادی و معنوی قدرت سوق داده و از اتکای یک‌جانبه به عوامل سخت‌افزاری باز می‌دارد.

همچنین، این دیدگاه منجر به افزایش شجاعت، ریسک‌پذیری حساب‌شده و خلاقیت در طراحی و اجرای راهبردهای دفاعی می‌شود. وقتی فرماندهان و نیروهای نظامی به نصرت الهی و تأثیر اسباب غیبی باور داشته باشند، با جسارت بیشتری به طراحی و اجرای تاکتیک‌ها و عملیات‌هایی می‌پردازند که شاید از منظر محاسبات صرفاً مادی، جسورانه یا حتی غیرممکن به نظر برسند. این همان «فراغت از طریق» است که می‌تواند به شکستن بن‌بست‌های نظامی و دستیابی به پیروزی‌های غیرمنتظره منجر شود.

۹۲. رشید، ادریس‌یان، «تبیین آموزه‌های جهادی قرآنی»، ۲۴.

۹۳. موسوی‌زاده، «تبیین مولفه‌های وعده نصرت الهی»، ۵۰.

علاوه بر این، فهم نقش «جنگ تحلیل‌ها» و «مکر در آیات» که دشمن برای سست کردن اراده مؤمنان به کار می‌گیرد، جامعه ایمانی را در برابر عملیات روانی و تبلیغات منفی دشمن، هوشیارتر و مقاوم‌تر می‌سازد. آن‌ها می‌آموزند که به وعده‌های الهی بیش از القانات یأس‌آور دشمن اعتماد کنند و با بصیرت، تحلیل‌های صحیح را از ناصحیح تمیز دهند.

در نهایت، این دیدگاه، افق امید به آینده و پیروزی نهایی جبهه حق را همواره زنده نگه می‌دارد. حتی در سخت‌ترین شرایط و در مواجهه با قدرتمندترین دشمنان، مؤمنانی که با عقلانیت ایمان‌محور می‌اندیشند و عمل می‌کنند، هرگز از رحمت و نصرت الهی مأیوس نشده و با استقامت و پایداری، مسیر خود را تا تحقق وعده‌های الهی ادامه می‌دهند. این امیدواری فعال، خود یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های معنوی جامعه اسلامی در مواجهه با چالش‌هاست. این الگو، جهاد اسلامی را نه یک اقدام تهاجمی برای توسعه سرزمینی، بلکه اصولاً «دفاعی» و در چهارچوب مفهوم موسّع «دفاع مشروع» در حقوق بین‌الملل تعریف می‌کند که هدف آن دفع تجاوز و حفظ کيان جامعه اسلامی است.^{۹۴} این منطق قرآنی تنها به حوزه نظامی محدود نمی‌شود. برای مثال، در حوزه اقتصادی نیز «سنت رزق» نشان می‌دهد که تقدیر الهی مشروط به طلب و تلاش انسان است و عوامل معنوی مانند تقوا، می‌تواند موجب نزول رزق «من حیث لا یحتسب» شود.^{۹۵} همچنین در دفع بلايا، نقش امام معصوم (عج) نیز به عنوان یک عامل معنوی، در چهارچوب همین نظام طولی اسباب و منوط به شرایطی خاص قابل درک است.^{۹۶}

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف تبیین نسبت میان «تدبیر عقلی» و «وعده نصرت الهی»، نشان داد که در منظومه قرآنی، این دو در تقابل با یکدیگر قرار ندارند، بلکه «تدبیر عقلی» در چهارچوب یک نظام محاسباتی جامع‌تر با عنوان «عقلانیت ایمان‌محور» تعریف می‌شود. یافته اصلی آن است که در شرایط تعارض ظاهری میان محاسبات مادی و وعده الهی، اولویت بخشی به وعده الهی نه یک کنش احساسی یا ایمان‌گرایانه صرف، بلکه خود مبتنی بر عقلانیتی متعالی است که به سنت‌های تخلف‌ناپذیر الهی و تأثیر اسباب غیبی باور دارد و بر اساس ضوابطی دقیق عمل می‌کند.

این عقلانیت ایمان‌محور، عملکردی ضابطه‌مند دارد. تحلیل واقعه بدر نشان داد که گذار از محاسبات مادی به اتکای بر وعده الهی، تنها در صورت تحقق شروطی دقیق امکان‌پذیر است. این شروط عبارت‌اند

۹۴. موسوی خراسانی، ایروانی، «موازنه آیات جهاد»، ۱۸۷، ۲۰۵؛ حب‌الله، دراسات فی الفقه الإسلامی، ۷۷/۱.

۹۵. افضلی، «مدیریت اسلامی، مدیریت مبتنی بر سنت‌های الهی»، ۲۷-۲۵.

۹۶. ترخان، «تحلیل سنت‌شناختی بر نقش فاعلی امام زمان (عج)»، ۳۹.

از: الف) وجود وعده یا امر صریح الهی به عنوان مبنای اقدام، ب) فعال سازی «پارامترهای هوشمند» (چون ایمان، صبر و تقوا) از سوی جبهه مؤمنان، ج) وجود رهبری الهی و اطاعت از او، و د) اتمام حجت در به کارگیری اسباب مادی تا حد توان. با تحقق این شروط، خداوند از طریق به کارگیری «اسباب غیبی» و مدیریت حکیمانه شرایط، تحقق وعده خود را به نحوی که فراتر از محاسبات مادی است، تضمین می کند. دستاورد اصلی این پژوهش، ارائه یک چهارچوب تحلیلی برای تصمیم گیری در شرایط عدم توازن قواست. این مدل نشان می دهد که در حوزه راهبردی و دفاعی، می توان با اتکال به وعده های الهی و فراهم آوردن شروط معنوی آن، به اقدام و مقابله با دشمن پرداخت و امید قطعی به نصرت داشت. این رویکرد، ضمن تأکید بر لزوم استفاده از تمام ظرفیت های مادی، افق جدیدی برای عمل بر اساس باور به امداد های غیبی و سنت های تخلف ناپذیر الهی می گشاید و راهگشای مؤمنان در بزنگاه های دشوار تاریخی و تصمیم گیری های سرنوشت ساز است.

منابع

قرآن کریم.

ابراهیمیان، سید حسین، زهره ربیعی، محبوبه بسمل. «شیوه های نزول امداد های غیبی بر مؤمنین از منظر آیات قرآن». فصلنامه مطالعات تفسیری ۶، ش ۲۴ (۱۳۹۴): ۱۵۷-۱۷۶.

ابن عاشور، محمد طاهر. تفسیر التحرير و التنویر. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.

ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. تفسیر غریب القرآن. بیروت: دار و مکتبة الهلال، ۱۴۱۱ ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۳۷۲ ق.

اخلاصی فرداد، مهدی. «تأثیر عوامل فرامادی در نظام هستی: عاملیت الهی در قرآن». پژوهش نامه نقد آراء تفسیری ۴، ش ۱ (۱۴۰۲): ۲۵۱-۲۸۷.

اعرابی، غلامحسین. «مبانی قرآنی و روایی مقاومت در کلام مقام معظم رهبری (مدظله العالی)». فصلنامه مطالعات علوم قرآن ۲، ش ۳ (۱۳۹۹): ۱۴۶-۱۶۴. <https://doi.org/10.22081/jqss.2020.68909>

اعرابی، غلامحسین، علی احمد ناصح، لیلا جنتی. «مبانی قرآنی نصرت الهی در کلام امام خمینی (ره)». پژوهش های تفسیر تطبیقی، ش ۱۱ (۱۳۹۹): ۹-۱۸.

افضلی، علیرضا. «مدیریت اسلامی، مدیریت مبتنی بر سنت های الهی (مورد مطالعه: سنت رزق)». فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ش ۵ (۱۳۹۵): ۸-۳۴.

آقا صفری، علی، باقر ریاحی مهر، عباس خان فاضل اف. «مستندات قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری درباره شرایط بهره مندی از امداد های غیبی». دوفصلنامه مطالعات قرآنی پژوهی نور ۶، ش ۱۲ (۱۴۰۰): ۱۰۵-۱۳۷.

آقاجانی، نصرالله. «ویژگی‌ها و انواع سنت‌های الهی در تدبیر جوامع». فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی ۲، ش ۳ (۱۳۹۳): ۶۰-۳۲.

انصاریان، حسین. ترجمه قرآن. قم: اسوه، ۱۳۸۳.

برمضان، طیب. «منظومه السنن الإلهية في القرآن الكريم و دورها في التأصيل لفقه الحضارة الإسلامية». مجلة قرطاس للدراسات الحضارية و الفكرية ۱۱، ش ۲ (۲۰۲۳ م): ۸۵-۵۱.

بغدادی، علاء الدین علی بن محمد. لباب التاویل فی معانی التنزیل. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

بنایی، علی. «سنت امداد و گونه‌های آن در قرآن کریم». فصلنامه مطالعات قرآنی ۹، ش ۳۵ (۱۳۹۷): ۷۳-۴۷.

بیگی، محمدحسن، عبدالواحد قادری. «غزوه بدر در نگاه متفاوت قرآن و سیره‌نویسان». فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ ۱، ش ۱ (۱۳۹۵): ۱۸-۱.

ترخان، قاسم. «تحلیل سنت‌شناختی بر نقش فاعلی امام زمان (عج)». فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی - کلامی ۱۱، ش ۴۴ (۱۴۰۰): ۵۰-۲۷.

ترخان، قاسم. «نقش و تأثیر علل و عوامل فرامادی در بلاای طبیعی». قیسات ۲۵، ش ۹۶ (۱۳۹۹): ۶۵-۳۵.

جعفریان، رسول. «نبرد بدر». نشریه میقات حج، ش ۹ (پاییز ۱۳۷۳): ۷۸-۵۷.

حب‌الله، حیدر. دراسات فی الفقه الإسلامی المعاصر. بیروت: [نشر به‌صورت دیجیتال]، ۲۰۱۱م.

حبیبی سی‌سرا، مرتضی. «بررسی و تحلیل سنت امداد در جهاد از دیدگاه قرآن». پژوهش‌های دفاعی امنیتی اسلام ۱، ش ۲ (۱۴۰۳): ۱۸۲-۲۰۳. <https://doi.org/10.22034/ids.2025.214345>

خواججه‌پور، محمد مهدی. «عالم اسباب و چگونگی تأثیر و تأثرپذیری آن در قرآن». دوفصلنامه عیون ۲، ش ۲ (۱۳۹۴): ۱-۲۰.

رشید، غلامعلی، محمد ادریس‌یان. «تبیین آموزه‌های جهادی قرآنی مؤثر بر روحیه جهادی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی». فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژی ۱۶، ش ۷۲ (۱۳۹۷): ۲۶-۵.

رضا، محمد رشید. تفسیر القرآن الحکیم (الشهر بتفسیر المنار). بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۴ق.

روشن‌ضمیر، محمد ابراهیم. «شرایط برخورداری از امدادها و ویژه الهی در نگره قرآنی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)». نشریه مشکوة ۳۹، ش ۱۴۹ (۱۳۹۹): ۱۰۷-۱۲۹.

ساجدی، علی محمد و فاطمه زارع. «توحید افعالی در نظام فلسفی ملاصدرا». فلسفه و کلام اسلامی ۴۷، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۳): ۸۱-۱۰۲. <https://doi.org/10.22059/jitp.2014.51020>

سیدی فرد، سید علی. «سنت‌های الهی و حساسیت به داده‌های تجربی: ملاحظات مفهومی و توصیه‌هایی روشی». فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ش ۲۵ (۱۴۰۰): ۱۱-۲۵.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. الدر المنثور فی التفسیر بالماثور. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴ق.

- شیخ شعاعی، محمد. تدبیر معیشت در کتاب و سنت. قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۸.
- صادقی تهرانی، محمد. البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن. قم: انتشارات محمدصادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق.
- صدر، سید محمدباقر. سنت‌های تاریخ در قرآن. ترجمۀ سید جمال‌الدین موسوی اصفهانی. تهران: انتشارات تفاهم، ۱۳۸۱.
- طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
- طباطبایی، محمدحسین. نهاية الحکمة. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ق.
- طبرسی، فضل بن حسن. تفسیر جوامع الجامع. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۱۲ق.
- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
- طوسی، محمد بن الحسن. الأمالی (للطوسی). قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
- علیزاده، یاسر، حسین سلیمانی آملی، عبدالله رجایی لیتکوهی. «بررسی فلسفی رابطۀ عقل و ایمان و تأثیر آن بر معرفت و شناخت دینی انسان». اندیشه‌های فلسفی و کلامی ۳، ش ۶ (زمستان ۱۴۰۲): ۱۴۳-۱۶۹.
- فخر رازی، محمد بن عمر. التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- قطب، سید ابراهیم. فی ظلال القرآن. بیروت: دار الشروق، ۱۴۲۵ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی. بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محقق سبزواری، ملاهادی. شرح المنظومة. به تحقیق علامه حسن زاده. تهران: نشر ناب، ۱۳۷۹.
- محمدرضایی، محمد. «رابطه عقل و ایمان (یا فلسفه و دین)». فلسفه و کلام اسلامی ۱۰، ش ۳۵ (زمستان ۱۳۸۴): ۳۴-۱۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی. جامعه و تاریخ از نگاه قرآن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۹۱ش.
- مطهری، مرتضی. مجموعه آثار استاد شهید مطهری. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۴ش.
- مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- موسوی خراسانی، سید محمدحسن، جواد ایروانی. «موازنۀ آیات جهاد در قرآن با توسل به زور در حقوق بین‌الملل». فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب ۶، ش ۲ (۱۳۹۸): ۱۸۳-۲۰۸.
- <https://doi.org/10.22091/csiw.2019.3915.1503>
- موسوی‌زاده، سید ابوالفضل. «تبیین مؤلفه‌های وعده نصرت الهی در قرآن مبتنی بر جهاد تبیین مقام معظم رهبری». فصلنامه سیاست‌پژوهی تحول در علوم انسانی ۲، ش ۶ (۱۴۰۲): ۴۷-۶۱.
- نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد. شرح الاشارات و التنبیها مع المحاکمات. قم: نشر البلاغة، ۱۳۷۵.
- واقدی، محمد بن عمر. المغازی. بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ق.

یعقوبی، احمد بن اسحاق. تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر، بی تا.

Transliterated Bibliography

Qurān-i Karīm.

Afḍalī, ‘Alī Rizā. "Mudīriyat Islāmī, Mudīriyat Mubtanī bar Sunat-hā-yi Ilāhī (Mūrid Muṭālī‘ih: Sunat Rizq)". *Faṣḥnāmih-yi Taḥqīqāt Bunyādīn ‘Ulūm-i Insānī*, no. 5 (2017/1395): 8-34.

‘Alizādīh, Yāsir; Ḥusayn Sulaymānī Āmulī va ‘Abd Allah Rajā ħ Lītikūhī. "Barrisī Falsafī Rābiṭah-yi ‘Aql va Imān va Taḥīr ān bar Ma‘rifat va Shinākht Dīnī Insān". *Andishih-hā-yi Falsafī va Kalāmī* 3, no. 6 (winter 2023/1402): 143-169.

Anṣārīyān, Ḥusayn. *Tarjumah Qurān*. Qum: Usvih, 2005/1383.

Āqā Ṣafārī, Alī; Bāqir Rīyāhī Mihr, ‘Abbās Khān Fāzil Uf. "Mustanadāt Qurānī Dīdgāh Maqām Mu‘āzam Rahbarī Darbārih-yi Sharāyit Bahrihmandī az Imdād-hā-yi Ghiybi". *Dū Faṣḥnāmih-yi Muṭālī‘āt Qurānī Pazhūhī Nūr* 6, no. 12 (2022/1400): 105-137.

Āqājānī, Naṣr Allāh. "Vizhigī-hā va Anvā‘ Sunat-hā-yi Ilāhī dar Tadbīr Javāmi". *Faṣḥnāmih-yi Islām va Muṭālī‘āt-i Ijtīmā‘ī* 2, no. 3 (2015/1393): 32-60.

A‘rābī, Ghulām Ḥusayn. "Mabānī Qurānī va Rivāyī Muqāvimat dar Kalām Maqām Mu‘āzam Rahbarī (Mudda Ṣilluhu al-‘Ālī)". *Faṣḥnāmih-yi Muṭālī‘āt ‘Ulūm Qurān* 2, no. 3 (2021/1399): 146-164.

Baghdādī, ‘Alā al-Dīn ‘Alī ibn Muḥammad. *Lubāb al-Ta‘wīl fī Ma‘ānī al-Tanzīl*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya, 1994/1415.

Banāyī, ‘Alī. "Sunat Imdād va Gūnih-hā-yi ān dar Qurān-i Karīm". *Faṣḥnāmih-yi Muṭālī‘āt Qurānī* 9, no. 35 (2018/1397): 47-73.

Biyyī, Muḥammad Ḥasan va ‘Abd al-Vāhid Qādirī. "Ghazvih Badr dar Nigāh Mutifāvit Qurān va Sirihnivisān". *Faṣḥnāmih-yi Muṭālī‘āt-i Tārikhī-i Jang*, no. 1 (2016/1395): 1-18.

Bramaḍān, Ṭayīb. "Manzūma al-Sunan fī al-Qurān al-Karīm wa Dawrahā fī al-Taṣīl li-Fiqh al-Ḥiḍāra al-Islāmiyya". *Majalah Qartās li-l-Dirāsāt al-Ḥiḍāra wa al-Fikriya* 11, no. 2 (2023/1402): 51-85.

Fakhr Rāzī, Muḥammad ibn ‘Umar. *al-Tafsīr al-Kabīr (Maḥāṭib al-Ghayb)*. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Tūrāth al-‘Arabī, 1999/1420.

Ḥabībī Sīsārā, Murtaẓā. "Barrisī va Taḥlīl Sunat Imdād dar Jahād az Dīdgāh-i Qurān". *Pazhūhish-hā-yi Dīfā‘ī Amniyati Islām* 1, no. 2 (2025/1403): 182-203.

Ḥubballāh, Ḥiydar. *Dirāsāt fī al-Fiqh al-Islāmī al-Mu‘āṣir*. Beirut: "Nashr bi Ṣūrat Dijital", 2011/ 1389.

Ibn ‘Āshūr, Muḥammad Ṭāhir. *Tafsīr al-Taḥrīr wa al-Tanwīr*. Beirut: Mū’assisa al-Tārīkh al-‘Atabī, 1999/1420.

Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār Fikr li-l-Ṭibā‘a wa-al-Nashr wa al-Tawzī‘, 1994/1372.

Ibn Qutaybah, ‘Abd Allāh ibn Muslim. *Tafsīr Gharīb al-Qurān*. Beirut: Dār wa Maktaba al-Hilāl, 1991/1411.

Ibrāhīmīyān, Sayyid Ḥusayn; Zuhrih Rabī‘ī va Maḥbūbih Basmal. "Shivih-hā-yi Nuzūl Imdād-hā-yi Ghiybī bar Mu’minīn az Manẓar Āyāt-i Qurān". *Faṣḥnāmih-yi Muṭālī‘āt-i Tafsīrī* 6, no. 24 (2016/1394): 157-176.

Ikhlaṣī, Maḥdī. "Taṣīr ‘Avāmil Farāmādī dar Nizām Hastī: ‘Āmiliyat Ilāhī dar Qurān". *Pazhūhishnāmah Naqd Ārāy Tafsīrī* 4, no. 1 (2023/1402): 251-287.

Ja‘farīyān, Rasūl. "Nabard Badr". *Nashriyeh-yi Miqāt Hajj*, no. 9 (autumn 1995/1373): 57-78.

Khwājapūr, Muḥammad Maḥdī. "‘Ālam Asbāb va Chigūnigī Taṣīr va Taṣīrpazrī ān dar Qurān". *Dū Faṣḥnāmih ‘Uyūn* 2, no. 2 (1974/1394): 1-20.

Majlisi, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī. *Biḥār al-Anwār*. Beirut: Dār Ihya’ al-Tūrāth al-‘Arabī, 1983/1403.

Makārim Shirāzī, Nāṣir. *Tafsīr-i Numūnah*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1996/1374.

Miṣbāḥ Yazdī. Muḥammad Taqī. *Jāmi‘ah va Tārīkh az Nigāh Qurān*. Qum: Intishārāt-i Mū’assisah-yi Āmūzishī va Pazhūhishī Imām Khumīynī, 2013/1391.

Muḥammad Rizāyī, Muḥammad. "Rābiṭah-yi ‘Aql va Īmān (yā Falsafah va Dīn)". *Falsafah va Kalām Islāmī* 10, no. 35 (winter 2006/1384): 11-34.

Muḥaqqiq Sabzavārī, Mulā Hādī. *Sharḥ al-Manẓumah*. researched by ‘Allāmah Ḥasanzādīh, Tehran: Nashr Nāb, 2000/1379.

Mūsawī Khurāsānī, Sayyid Muḥammad Ḥasan va Javād Īrawānī. "Muvāzinīh-yi Āyāt Jahād dar Qurān bā Tavasul bi Zūr dar Ḥuqūq Biyn al-Milal". *Faṣḥnāmih-yi Pazhūhish Taṭbīqī Ḥuqūq Islām va Gharb* 6, no. 2 (2020/1398): 183-208.

Mūsawizādīh, Sayyid Abū al-Faḍl. "Tabyīn Mū‘ālifih-hā-yi Va‘dih Nuṣrat Ilāhī dar Qurān Mubtanī bar Jahād Tabyīn Maqām Mu‘āzam Rahbarī". *Faṣḥnāmih-yi Siyāsatpazhūhī Tahāvul dar ‘Ulūm Insānī* 2, no. 6 (2023/1402): 47-61.

Muṭaharī, Murtaẓā. *Majmū‘ah-yi Āṣār Uatād Shahīd Muṭaharī*. Tehran: Intishārāt-i Ṣadrā, 2005/1384.

Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, Muḥammad ibn Muḥammad. *Sharḥ al-Ishārāt wa al-Tanbīhāt Ma'a al-Muḥākamāt*. Qum: Nashr al-Balāghah, 1997/1375.

Qum: Kitābkhānih 'Umumī Ḥaḍrat-i Āyat Allāh al-'Uzmā Mar'ashī Najafī. 1984/1404.

Quṭb, Sayyid Ibrāhīm. *fi Ḥalāl al-Qurān*. Beirut: Dār al-Sharq, 2004/1425.

Rashīd, Ghulām 'Alī va Muḥammad Idrīsīyān. "Tabyyin Amūzih-hā-yi Jahādī Qurānī Mū'athir bar Rūḥīyih-yi Jahādī Nīrūhāy Musalāḥ Jumhūrī Islāmī". *Faṣlnāmih-yi Muṭālī'āt Difā'i Istirātizhī* 16, no. 72 (2019/1397): 5-26.

Riḍā, Muḥammad Rashīd. *Tafsīr-i al-Qurān al-Karīm (al-Shahīr bi-Tafsīr-i al-Minār)*. Beirut: Dār al-Ma'rifa, 1993/1414.

Rūshan Ḥamīd, Muḥammad Ibrāhīm. "Sharāyit Barkhūrdārī az Imdād-hā-yi Vīzhīh-yi Ilāhī dar Nigariyih-yi Qurānī Maqām Mu'āzam Rahbarī (Mudda Ḥilluhu al-'Alī)". *Nashrīyih-yi Mishkāt* 39, no. 149 (2021/1399): 107-129.

Ṣādiqī Tihirānī, Muḥammad. *al-Balāgh fi Tafsīr al-Qurān bi- al-Qurān*. Qum: Intishārāt-i Muḥammad Ṣādiqī Tihirānī, 1998/1419.

Ṣadr, Sayyid Muḥammad Bāqir. *Sunāt-hā-yi Tārīkh dar Qurān. translated by Sayyid Jamāl al-Dīn Mūsawī* Iṣfahānī, Tehran: Intishārāt Tafāhum, 2003/1381.

Ṣajīdī, 'Alī Muḥammad va Faṭimah Zārī. "Tawḥīd Afālī dar Nizām Falsafī Mulāṣadrā". *Falsafah va Kalām Islāmī* 47, no. 1 (spring and summer 2015/1393): 81-102.

Sayyidī Fard, Sayyid 'Alī. "Sunāt-hā-yi Ilāhī va Ḥasāsīyat bi Dādih-hā-yi Tajrubī: Mulāḥizātī Maḥmūmī va Tawṣīyih-hā-yi Ravishī". *Faṣlnāmih-yi Taḥqīqāt Bunyādīn 'Ulūm-i Insānī*, no. 25 (2022/1400): 11-25.

Shaykh Shujā'i, Muḥammad. *Tadbīr Ma'īshat dar Kitāb va Sunat*. Qum: Būstān Kitāb, 2020/1398.

Suyūtī, 'Abd al-Raḥmān ibn abī bakr. *al-Durr al-Manthūr fi al-Tafsīr bi-al-Ma'thūr*.

Ṭabarsī. Faḍl ibn Ḥasan. *Majma' al-Bayān fi Tafsīr al-Qurān*. Tehran: Nāṣir Khusrū, 1994/1372.

Ṭabarsī. Faḍl ibn Ḥasan. *Tafsīr Jawāmi' al-Jāmi'*. Qum: Markaz-i Mudīriyat-i Ḥawzah-yi 'Ilmiyah, 1992/1412.

Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusayn. *al-Mizān fi Tafsīr al-Qurān*. Beirut: Mū'assisa al-'Alamī li-l-Maṭbū'āt, 1970/1390.

Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusayn. *Nihāya al-Hikma*. Qum: Jāmi'ah al-Mudarrisīn fi al-Ḥawzah al-'Ilmiyah bi-Qum, Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1995/1416.

لزگی و دیگران؛ تحلیل پیوند میان «تدبیر عقلی» و «وعدۀ نصرت الهی» در آیات ناظر به نبرد بدر / ۲۴۹

Tarkhān, Qāsim. "Ta'īn ulī dar Qawānīn Farāmādī Pīshraft bar Asās Sunat-hā-yi Ijtimā'ī Ilāhī" . *Faṣḥnāmih Hikmat Islāmī* 5, no. 1 (2019/1397): 125-152.

Tarkhān, Qāsim. "Tahlīl Sunatshinākhtī bar Naqsh Fā' ilī Imām Zamān (AS)". *Faṣḥnāmih Pazhūhish-hā-yi I' tiqādī Kalāmī* 11, no. 44 (2022/1400): 27-50.

Tarkhān, Qāsim. "Naqsh va Ta'sīr 'Ilal va 'Avāmil Farāmādī dar Balāyāy Ṭabī'ī". *Qabasāt* 25, no. 96 (2021/1399): 35-65.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan, *al-Amālī (li-l-Ṭūsī)*. Qum: Dār al-Thaqāfa, 1993/1414.

Wāqidi, Muḥammad ibn 'Umar. *Kitāb al-Mghāzī*. Beirut: Mū'assisa A'lamī, 1989/1409.

Ya'qūbī, Aḥmad ibn Ishāq. *Tārīkh al-Ya'qūbī*. Beirut: Dār Ṣadir, s.d.